

**پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید**

تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته‌های ضد امپریالیستی توده‌های مردم است

بمناسبت ۲۱ آذر:

## گرامی باد خاطره قیام پرشکوه خلق آذربایجان

شکوه خلقی ستدیده است که در یکی از حاس-  
ترین دوران‌های تاریخ ماضیه‌ای سخت-  
ترین در صفحه ۲

با فرا رسیدن ۲۱ آذر ۳۳ سال از  
 سقوط حکومت دموکراتیک آذربایجان میگذرد.  
در همین حال این روزها یادآور خاطره قیام بر-

دانشجو، محصل،  
پیوند بازحمتکش،  
پیوند بازحمتکش

## بیاد ۱۶ آذر روز آذر نشان دانشجو

مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار شد

هرچه گسترده‌تر باد جنبش‌های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین!  
پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک کارگران، دهقانان و سایر  
زحمتکشان!

## مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست

صفحه ۷



■ وظیفه کارگران در مقابل مدیریت  
کارخانه چیست؟

■ مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد  
یافت یک گام ازده گام!

■ قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه -  
داری ...

■ انتظامات، حفاظت کمیته مستقر در  
کارخانه منحل باید گردد!

■ خانه کارگر سندج آزاد شد

■ گزارشی کوتاه از اخراج کارگران  
آگاه کارخانه استارلایت

■ کارگران ماشین سازی اهواز مدیریت  
کارگر پروژه‌های ماشین سازی را  
محاکمه و اخراج کردند

■ پیروزی کارکنان شرکت‌های حفاری

صفحه ۳

اول زانویه (دهم دیماه) مصادف است با تولد انقلاب فلسطین یعنی عید خلق فلسطین!



رفقا، هواداران،  
نیروهای انقلابی

بکوشیم تا مراسم

این روز را هرچه

باشکوه‌تر برگزار کنیم!

■ جنبش ملی  
■ جنبش دهقانی  
■ حرفه‌ای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان  
■ در صفحه ۵  
■ رفرا دوم قانون اساسی "خبرگان" (۲)  
■ در صفحه ۱۰

توطئه جدید "امل"  
علیه مردم فلسطین و لبنان  
و نقش آقای چمران  
و طباطبائی

صفحه ۹

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**



بقیه از صفحه ۱ به مناسبت ...

بیتزارتاج و امیرالایم فرود آورد. حمله برنگوه این قیام دلورانه و دولت دموکراتیک آذربایجان که از دل نیا مسلحانه، خلق آذر - با بجان خوشیدران سالیهای ساده امیرا - لیستهای انگلیسی و آمریکائی اسیران را جولانگاه تهنیکاری های خود کرده بودند. جراحی فروران در دل کلمه خلیفای ستمیده و رنجیده ایران موجود آورد. در طول مدت یکسال که حکومت دموکراتیک آذربایجان به قدرت رسید و خلق آذربایجان بر سر بنویس خوش ملط شد و حدس سالیهای سر آزان همکا میکانی آتشی سوران به سرخا کمر سرکوب و دیکنای سوری رفعت لب سما خلیفای رنجیده و ستمکن ایران در سیر سیریه مان در آنجا که ترجم استعلاال خلق بدست توانای بوده ها برافراشتند مشید می نیند. ولی افسوس که دستا وردهای آن قیام قهر - مانا نه بخاطر فرصت طلبی و زشتکاری رهبران آن به کجراه افتاد و در آخر سر بدست امیرالایم و مرخمین و در رأس آن دربار خاش پهلوی با بود و ضبط خاطرهای آزان همه دلآوری و خایفانی بانی ماند. بگذار امیرالایمها و مرخمین بر احساس دهنای خلق قهقهه سر دهند. بگذار جلادان خلق سینه آزادخواهان را سکا میکاند. بگذار فرصت طلبان و سازشکاران بر احساس دهنای خلق ایک تمساح بر سرند. خلقی که نیا مسلحانه سر بر سر آذربایلیای یکسخت نهضت متروپت آفرید. خلقی که حکومت دمو - کراتیک آذربایجان را در سالهای ۲۵ - ۲۴ بر قدرت ساند و بالاخره خلقی که قیام قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ را آفرید همچنان زنده است و برای استمرار ایرانی مستقل و آزاد، دموکرات - سک و خلقی می ریزد. امروز خلق آذربایجان و خلق کرد و با خلیفای ایران زمانی خاطره قیام برنگوه سالیهای ۲۵ - ۲۴ را کرامی می - دارند که خلیفای سراسر ایران علیه امیرالایم جنابکار آذربایلیای و عمال آن می رزمند. امروز سوزدهای خلق کرد در سر آوری آزان سالیهای برنگودا هم می ناید که ما هدایم که ارتجاع سکا در کمری کوندیا سله های رزم خلق را در کردستان فرو ساند. سورا های خلق را سار دیکر میبدم سازد و سکا سارکاران و فرصت - طلبان سکا در کجرا حمل خون هزاران شهید راه خلق را به سستی گماند.

زنده باد خلق آذربایجان. خلق کرد و همه خلقهای ایران!

سالیهای ۳۲ - ۳۰ دوران رنجشش بوده - ای در سراسر ایران بود. قدرت با قتل آلمان هیلری و وقوع جنگ های امیرالایم - لیستی در فاصله، جنگ جهانی دوم مانع آزان بود که امیرالایمها بتوانند با حمل راحت بغارت خود در کشورهای وابسته ادامه دهند. اس - صفت و سوا سوا موقعیتی سنا و مناسب بود برای زحمتکنان ایران که یکدوره سرکوب و حقان ۳۰ ساله را بهت سرکزارده بودند. اس سالیها فرصتی مناسب برای شکل گیری نهضتهای

آزادبخت بود. زحمتکنان گروه گروه در آنجا - ده ها، اجزای، سازمانهای توده ای و سیاسی خود متشکل میشدند و برای احقاق حقوق صغی و سیاسی به سیردهای ملی - طبقاتی روی می آوردند. در عین حال ارتجاع نیز که ضریات خانگای خورده و متشکل خود را از دست داده بود می کوشید تا سرعت نیروهای خود را جمع آوری کرده و در تیریدی قطعی زحمتکنان را سرکوب نموده و آزادی بدست آمده را از چنگ آلمان سیرون بکشد.

۱۴۰ ربال خورده و سنا مایه مرکز حمل کردند. در فمل زمستان. شهر تبریز به محاصره (قحطی) گرفتار و سوا آذوقه ماند. سنا ر غله گندیده و از چند سال مانده دگرگان را که سنا مایه متعلق به املاک اختصاصی (رضاشاه) بود از راه آستار به تبریز حمل و از قرار خرواری ۶۰۰ ربال بخورد مردم سنا چاره دادند. و چون نان این گندم - های فاسد خورده نمی شود و در عین حال گران و کمیاب و بی دانه می شد. هزاران فقیر و بی بخت، مریض و با از گرسنگی قربانی اغراض آقاسی

بگذار امیرالایمها و مرخمین بر احساس دهنای خلق قهقهه سر دهند. بگذار جلادان خلق سینه آزادخواهان را سکا میکاند. بگذار فرصت طلبان و سازشکاران بر احساس دهنای خلق ایک تمساح بر سرند. خلقی که قیام قهرمانانه ۲۹ بهمن ۵۶ را آفرید همچنان زنده است و برای استمرار ایرانی آزاد، دموکراتیک و خلقی می ریزد!

نهضت دموکراتیک در آذربایجان و کرد - ستان بخاطر سستیهای مبارزان آزادخواهان و صدا میرا سستی شرایط بسیار مناسب تری داشت. فقر و تنگدستی در میان زحمتکنان که اکثریت آنها را دهقانان رنجیده تشکیل می دادند. بطور حیرت آوری پیدا می کرد. ارزاق عمومی بخاطر احتکارسودجویان به شدت کماب شده بود. بلاهای ناشی از جنگ به شدت بر دوش زحمتکنان سنگینی میکرد. امیرالایمهای انگلیسی و آمریکائی در اکثر نقاط ایران به غارت و جبا و خلق مشغول بودند. در عین حال وجود ارتش سرج در شمال کشور مانع آزان میشد تا این غارت و جبا و و به همراه آن سرکوب خلق توسط امیرالایمها به آذربایجان راه پیدا کند. همه این عوامل شرایط مناسب برای شکل - گیری یک جنبش انقلابی برای سرنگونی امیر - الایمهای انگلیسی و آمریکائی و عمال جنایت - کار آنها یعنی دربار و سلطنت پهلوی فراهم می آورد.

ارتجاع سراز موقعیت ویژه آذربایجان مطلع بود و بر آرایش کوشی برای سرکوبی خلق در آنجا فرو گذار نمی کرد. فهمی استان - دار آذربایجان (در سال ۱۳۱۹) از یکسو برای ایجاد تفرقه در میان کارگران اتحادیه های قلاسی بوجود می آورد و از سوی دیگر هزاران و چا فوکنان را مسلح می ساخت تا مسلحانه به دهات یورش برده و با غارت و قتل و کشتار آلمان دهقانان را متکوب سازد.

آری ارتجاع که پس از شکست انقلاب مشروطیت مجدداً سر آری که قدرت تکیه زده بود از آذربایجان قهرمان به خشن ترین شکلی انتقام می گرفت. ستم ملی و طبقاتی سنا بد میکرد. نقل نمونه زیر، عظمت فاجعه را نشان میدهد:

"در تابستان ۱۳۱۹ غله آذربایجان را که خرواری ۳۵۰ الی ۴۰۰ ربال در محل قیمت داشت (آقای مستوفی (استادار) بدون اینکه به احتیاجات مردم تبریز اعتنا می نموده و با نه تدکرات آنها دایره تا مین آذوقه شهر ترتیب اشیرده در زیر سیریه از قرار خرواری

از سوی دیگر آزادخواهان نیز برای مبارزه مشترک گرد می آمدند و در تشکیلات صغی

بقیه در صفحه ۱۲

همه قرارداد های اسارت آورا امیرالایستی باید لغو گردد!



## گزارشی از اخراج کارگران آگاه کارخانه استارلایت

چرا کارفرمایان و سرمایه داران ارکان کارگران  
آگاه و حجت دارند، و در هر فرصتی و با آنها دهان  
ساحکی آنها را اخراج میکنند؟ سرمایه دار  
دستال سودبختراست، برای اینکه هر قدر سود  
کارگران را استیلا میکند، در مقابل، کارگران  
آگاه، با آنها که بنواستند میگویند آگاهی دوسان  
کارگران را با لالری و آنها را به حقوقشان آشنا  
نارند. هر قدر آگاهی کارگران بالا رود و بیشتر  
حقوقشان آشنا شود کم تر منافع بهره دهنده می  
دهند. و این درست مخالف آنست که سرمایه  
دار میخواهد، از بیروست به نطفه میرسد، حال  
اگر کارگران یکبار رجه و هسار را بند، کارفرما  
تکست خورده و افتاد میشود، اما اگر آگاه و  
برآکنده باشند، کارفرما بطور موقت بیست  
میشود. اخراج ۲۶ نفر از کارگران مبارز  
کارخانه استارلایت که گزارش آنرا در زیر میخواند  
یکی از هزاران نمونه ایست که در رابطه با تکه سال  
هر روز در گوشه و کنار میهمان اتفاق می افتد.

کارفرمای این کارخانه زمدنهای بیست  
عده ای از کارگران مبارزان نشان کرده و با کمک  
سرپرستها و کارکنانی لیستی ۴۵ نفره از آنها  
تهیه می نماید، تا در فرصتی مناسب اخراجشان  
کند. اینست که غیبت و دوری کارگران را آنها به  
کرده و آنها را اخراج میکند. بدینال این جریان  
رورجها رشتنه ۵۸/۸/۲۳، ۲۴ نفر از کارگران به  
طرفداری و حمایت از کارگران اخراجی دست از  
کار کشیده و مقابل دفتر مدیریت محض میبوند  
در این هنگام عده ای از کارکنان که اغلب آنها  
سرپرستها و مردوران کارفرما بودند با تحریک  
کردن عده ای از کارگران نا آگاه به کارگران  
محض حمله میکنند و با دادن و فحشهای رکک  
آنها را زانین بیرون می اندازند. و بدین  
ترتیب ۲۶ کارگر آگاه از کارخانه اخراج می  
شوند. کارگران اخراجی از همان روز اول برای بر  
گشتن سرکار به اقدامات مختلفی دست میریزند  
آنها به کارخانه های مختلف مانند (تجزیرین -  
ساکا - نسکوار - عمیدی و...) رفته و جریان  
اخراجشان و علت آنرا برای کارگران شرح میدهند  
کارگران این کارخانه ها اظهار میدارند که هر  
کاری نمیتوانند برای آنها انجام میدهند. کار -  
فرما برای اینکه کارگران آگاه و اخراجی را از  
دیگر کارگران جدا نگهدارد دستور میدهد که آنها  
را به کارخانه ها بدهند و سروسپها نیر آنها را  
سوار نکنند.

کارگران اخراجی برای آنکه صدایان را به  
گوش دستان کارگران برسانند، دست به انتشار  
اعلامیه میریزند که در قسمتی از اعلامیه شماره ۱  
آنها میخوانیم:

"دوستان کارگر... ما کارگران با بداهم  
محبوبیم، چون دردمان یکیت، چون با هم  
رحمت میکنیم و با هم استیلا میزنیم... چنان



## جنبش کارگری

### خانه کارگر سندج آزاد شد

خلق کرد با دلاوریها و جانبازیهای که در  
طی سه ماه هجوم نظامی دولت مداخله ای به  
کردستان از خود نشان داد توانست سنگرها را از  
دست رفته، خود را یکی پس از دیگری پس بگیرد.  
یکی از این سنگرها خانه کارگر سندج بود که  
پس از حمله به کردستان توسط پاداران بنفع  
مستعفیین!! ضبط شده بود.  
روزی چهارشنبه ۵۸/۸/۲۳ بدعوت کارگران  
بیشتر و عده زیادی از کارگران و مردم سندج  
در میدان آزادی این شهر گرد آمدند. در این  
گردهمایی ابتدا پیام کارگران کارخانه  
پوناک سندج قرائت شد، سپس پیام دانش -  
آموزان و دانشجویان پیشگام خوانده شد. آنگاه

چاره رحمان  
و وحدت و تشکیلات است

### وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟

مدیریت کارخانه نظارت و کنترل شدیداً شده است.  
شورا با سدیکی واقعی کارخانه و طبقه  
دارد با تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت  
کارخانه (به شرکت در آن) اهداف، سرمایه ها  
و عملکردهای مذکور را برای دولت و سرمایه داران  
از الوصف را برای کارگران افشا کند، با کار -  
گران از انجام آن جلوگیری بعمل آورد.  
شرکت در مدیریت کارخانه، شورا با سدیکی  
واقعی را از کارگران جدا کرده، در مقابل آن  
قرار میدهد. از آنجا که قدرت شورا وابست  
بیکای واقعی فقط و فقط در نیروی محدودیست  
پیوسته کارگران متقاعد، لذا شورا وابست  
بیکای واقعی با فقط و فقط بر این نیرو تکیه  
کرده، از شرکت در مدیریت کارخانه بهر هیز کند.  
شرکت در مدیریت کارخانه باعث نقای در میان  
کارگران، رودر و روبرو گرفتن شورا با سدیکی  
با کارگران و اردست دادن با یکا دگرگری آن  
میشود. شرکت شورا با سدیکی واقعی در مدیریت  
ثبت کارخانه، موجب میشود که شورا با سدیکی  
دست کارفرما بدهد، عملاً در خدمت کارفرمایان و  
دولت با دگرگری قرار گیرد. شورا با سدیکی  
واقعی کارگران، اخراج کارخانه و طبقه دارد  
با شورا با سدیکی واقعی کارخانه های دیگر  
تماس برقرار کرده، در جهت افزودن به نیروی  
متحد کارگران کوشش نماید.  
کارگران برای کمک کردن به استیلا خواهان  
نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میبایند.

در رابطه با مسئله فوق که اکنون به اشکال  
کوبگون و در کارخانه های مختلف مطرح میباشد  
اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۹/۵ از طرف سازمان  
منتشر شده است. در این اعلامیه ضمن اشاره  
به اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی و  
استثمار که بویژه بدوش طبقه کارگر  
سنگینی میکند، آمده است:  
"... در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراود  
ما از شورای واقعی، نه شورا های انقلابی -  
نسبتی، بلکه از نظریات و مضمون همان  
سدیکی واقعی - سرخ - می باشد) با ست  
بیکای واقعی کارگران چیست؟  
وظیفه شورا با سدیکی واقعی کارگران  
عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر  
مدیریت کارخانه. وظیفه مدیریت کارخانه  
تشدید استثمار هر چه بیشتر کارگران است. مدیران  
همیشه در پی یافتن شیوه های جدید تر برای کسب  
سود بیشتر هستند. در این مرحله از انقلاب، کار -  
گران نمی توانند مدیریت کارخانه را کاملاً  
بدست بگیرند و از طرفی شرکت در آن بمعنی قرار  
گرفتن در کنار کارفرماست. اما کارگران می -  
توانند و بایند با نظارت و کنترل مدیریت کار -  
خانه در جهت هرجه محدود تر کردن استثمار کام  
بردارند. از آنجائی که شورا با سدیکی واقعی  
کارگران، نماینده کارگران می باشد، وظیفه  
- اش شرکت در مدیریت کارخانه نبوده، بلکه  
برای تامین منافع کارگران، وظیفه دارد بر

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران









اؤنئىرىيات زحمتكشان

نشریه "فربا" در زورآباد که توسط گروهی از رزمندگان تپه زورآباد کرج منتشر می شود ، در شماره دوم خود مقاله ای در راجه عنوان "خبر از تپه" که در آن ضمن بررسی مشکلات محصل از قمیل دانش آشناتوبیرق ساریری ، با فضای هیبت حاکم پرداخته و اهالی زورآباد را سه اتحاد دعمل در جهت تحقق خواسته های عادلانه شان فرا خوانده است . در ادامه مقاله روش هیبت حاکمه ، که هرگز کسی که در مد دفاع از حقوق خود برآمده با شما رگ مد انقلاب میزند ، بخوبی آشنا شده است . در همین رابطه چنین می خوانیم :



## چمران و دیگر جلادان خلق کرد و باید محاکمه کرد

مصطفی چمران اکنون وزیر دفاع جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب است. او دوره ضد خلقی خود را در ضدیت با خلق فلسطین و نیروهای مترقی لبنان و مشارکت در سرکوب آنها هم دست با نیروهای دست راستی لبنان دیده است. پس از ازگونی رژیم شاه با توجه به قدرتی که با ندا (یزدی و طباطبائی و...) در دستگاه حاکمه داشتند به ایران آمد و نتایج انقلابی خود را در بازسازی "ساواک جدید"، در کمک همه جا به نظامی و مالی به سازمان دست راستی امل در لبنان، و بالاخره در جنگ آفریزی در کردستان بکار گرفت. او را دوستی قیاده موقت را "شپان" ایران خواند، او مانند پهلوان پشمه ها در کردستان رجز خواند که هم برای رژیم آمده است و هم برای بزم. و اگر قضاوت مسلحانه و قهرمانانه خلق کردستان در اجساد خلقی کرد بزم خود را میسر نکرد، اما بوزه او و همدستانش در کردستان بخاک مالیده شد. آنها با زهم در کردستان جنگ آفریزی میکنند و سوسوهای اعلامیه غلاظ و ندادی است که روز جمعه همزمان با حمله ویدگوشی آیت الله منتظری به رهبران خلقی کرد ما در شد و دستور چمران تفسیرهای تحریک کننده ای از بحث کردی را دو همراهِ ما نهدید. های شدید پخش گردید.

چمران با بدبخت طرحی با تشدر لبنان علیه خلق فلسطین که هم رزم و هم سنگر خلقهای ایران است و هم بخت طرحی با تشی که در کردستان مرتکب شده همراه با همدستانش در دگانه انقلابی خلق محاکمه شود.

نظرات مردم محمودآباد (شمال) برای انحلال کمیته شهروانی قانون اساسی بدنبال اعمال فئودرمدی کمیته محمودآباد، مردم شهر که دیگر به تنگ آمده بودند در روز سه شنبه ۱۲ آذر متحداً خواستار انحلال فوری کمیته و محاکمه عناصر فاسدان شدند. جمعیت انبوهی از جوانان شهر، کارگران دهقانان و صبا دان به همین منظور دست بیک راه. پیمایشی اعتراضی زدند و خواستار اعلام رسمی انحلال کمیته شدند. این خواست در اثر فشار مردم انجام گرفت و آخوند شهر رسماً انحلال کمیته را اعلام کرد. راهپیمایان که با استقبال وسیع مردم روبه روبرو شده بودند ضمن دادن شعارهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و حمایت از مبارزات عادلانه، خلقها همچنان تحریم رفتار فئودرمدی قانون اساسی، پس از دو ساعت راهپیمایی در جنب زاندارمری اجتماع کرده و طی خواندن قطعه نامه، دیپلمه های بیکار دست به افشای رژیم و عوامل کمیته و مضمون قانون اساسی خبرگان زدند. جمعیت در پایان با دادن شعار "کردستان کردستان گورستان فاشیستان" به آراستی متفرق شدند.



خلقهای ایران شد. اینک این حزب با اعتراض قاطعانه خلق ستمدیده، کرد و روستا است. چه در جریان جنبش مقاومت کنونی خباثت های حزب نوده را درک نموده است. و به همین دلیل شعار میدهند.

"توده بی دژی خله که، تا ما به ویسی بلی کله که"، ای توده ای ضد خلقی، سراسیمه خواهی شمری برای خلق نداری، "حزب تو، همارنگار، فرصت طلب خباثتکار، مرگ بر حزب نوده"، "دفعه حزب نوده، تعطیل باید گردد". آنها بر علیه سخنان منتظری نیز شعار می دادند و می گفتند:

"منتظری غله تده کا، نه وهس به خه لکی کورده کا"، "منتظری غلط میکند، که به خلق کرد و وهس میکند".

با نله که" (زنده باد نیروهای کومله - که کاک فواد همراه آنهاست) را نکرار میکردند. به پیشوازیستمرگان رفتند. نظم حرکت پیشمرگان در سه ردیف در میان شورش و شادی مردم منظره خاصی به شهر داده بود. عده ای از شوق میگریستند و عده ای از تشدد می خندیدند و عده ای بر سر پیشمرگان نقل و نبات میریختند. لحظه به لحظه بر تعداد استقبال کنندگان اضافه میشد و باز از زمین تعطیل شده بود.

## ■ مهاباد

۵۸/۹/۳ - نظرات وسیعی از طرف مردم مبارز مهاباد به عنوان اعتراض به سخنان نوهس آیت الله منتظری امام جمعه تهران صورت گرفت که در ۲ شمارهای به طرفداری از رهبران و شخصیت های ملی و مذهبی کردستان داده شد. در این نظرات و همچنین نظرات شهرهای دیگر کردستان موج جدیدی اعتراضی برپا گردید و در اغلب این نظرات شعارهای بر علیه سازش - کاران و فرصت طلبان آران حمله "حزب نوده" مطرح گردید و اس ثابت میکنند که خلق رزمنده کردستانی توان فریب داد. آنها هنوز فراموش نگرفته اند که همین حزب نوده ایران در جریان سالهای ۲۰ تا ۳۲ مرتکب جنایاتهای در حق

## ■ عربوان

(بسیار از خبرنامه کومله ۱۵ مورخ ۵۸/۹/۸) بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۸/۹/۴ چند صد نفر از پیشمرگان سازمان زحمکنان (کومله) به دنبال درخواست مردم عربوان و پس از تصمیم فرمادهای پیشمرکه، در میان استقبال انقلابی مردم مبارز عربوان وارد شهر شدند. کارگران، بازاربانان و دانش آموزان مدارس در لنگه سار "بزی هیری کومله، کاک فواد

## جلادان اهلالی دهکده های "قارنا" و "کانی مام سید" باید محاکمه گردند



(روزنامه اطلاعات ۱۳ آذرماه ۱۳۵۸)

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



## جنبش دهقانی



### باهم بکارید ای دستهای توانای روستائیان شوشر

کشا ورزان روستای نسیم آباد از توابع شوشر که حدود ۲۰ خانوار در آن زندگی می کنند، بر روی زمینی کشت میکنند که از آن فردی بنام "راتق" میباشد فرد مذکور در شهر شوشر صاحب تنها فروشگاه و پلاکوفروشی شهر است. چندی قبل کشا ورزان دسته جمعی به سر مزعه رفته و وشا نه با زن و بچه، خود به شمع آن می بردازند. فردا صبح که راتق جهت سرکشی زمین به ده می آید، خود را با عمل روستا ثلثان رو برو می بیند. وی فوراً به شهر رفته و یک ماشین بزرگ، سنگ برای حصارکشی دور زمین به روستا می فرستد و خود نیز همراه با افراد مسلح کمیته بدنحال آن می آید.

کشا ورزان با مشاهده افراد کمیته در کنار "راتق" بخت آمده و در در زمین مزروعی دست به نظا هرات زده و وشا را می دهند که "تا فتح زمین"

های "راتق" نیست ادا می دارد". و چون در مقابل این عمل متحد دهقانان کاری از عهده راتق و افراد کمیته بر نمی آید، دست از پا دراز تر به شهر بر می گردند.

روستا ثلثان قهرمان نسیم آباد تا کنون زمین را در اختیار خود دارند.



کشا ورزان روستای "محل" از توابع شوشر به تاریخ ۵۸/۹/۵ دست به تصرف زمینهای امیر حسین خان زده و بطور مشترک دست به شخم زمینها میزنند. این عمل قهرمانان آنها با استقبال روستا ثلثان دهات مجاور و روستا شده و آنان نیز دست به تصرف زمینهای همین فرد میزنند. روستا ثلثان این دهات بطور شورائی زمینها را در اختیار خود گرفته اند و هم اکنون اولین بذرا اشتراکی را بر زمینها می باشد.

### هر چه گسترده تر باد جنبش های حق طلبانه دهقانان علیه ملاکین!

### پیروزی مبارزات ضد امیرالیستی و دموکراتیک کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان!

مبارزات دهقانان بر علیه زمینداران درما زنده انان و ج تازه ای با افتد است. در همین رابطه "حوره ما زنده انان" سازمان اعلامیه ای انتشار داد و در آن رهنمودهایی را به دهقانان مبارزان ارائه کرده است. در زیر متن این اعلامیه و بعضی اخبار مبارزاتی دهقانان (از طرف آمل و نور) را مطالعه میکنید:

### مبارزه علیه مالکین بزرگ از مبارزه علیه امیرالیسم جدا نیست

شورخدا امیرالیستی نوعی که در میان رده های عظیم میهن مان دمیده شده و همه اقشار و طبقات زحمتکش را به حرکت در آورده است، در میان دهقانان نیز بی تاثیر نبوده و تحریک تازه و امیدبخشی را در میان آنها بوجود آورده است. این شور مبارزاتی وفد امیرالیستی در میان دهقانان، در ادا می خود و سرعت بیشتری یافته و همراه با آن موجی از جنب و جوش و مبارزه در میان دهقانان بی زحمتی، این شتمش - ترین قشر روستائی، علیه ملاکین و زمینداران بزرگ برانگیخته شده است.

ما طی همین مدت کوتاه دهها نمونه از این مبارزات را در روستاهای (کما نگر کلا) نیار ده "کلیکان"، "چنگاز" و... سراغ داریم و اخبار و روایات از سایر شهرستانها و نیز صفحات روزنامه ها گویای این مدعا است. تاکنون در برخی از دهات چون "علی آباد"، "کما نگر کلا"، "چنگاز" و... دهقانان با پیگیری و یکپارچگی فراوانی که در طی مبارزات، از خود نشان

داده اند به پیروزی رسیده اند و در سایر دهات نیز در آستانه پیروزی هستند. این حرکت علیرغم سنگ اندازیها و توطئه های ملایان مرتجع که این تصرف زمین را "غصب" دانسته و به اصطلاح از نظر شرعی حرام قلمداد کرده بودند، صورت گرفته است. این مبارزات علیرغم تبلیغات نیرو - ها ئی "مانند" حزب توده "که چنین حرکاتی را انحرافی و بعنوان اخلال در مبارزات ضد امیرالیستی قلمداد می کنند صورت گرفته است. آنها بدروغ ادعا میکنند که مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه زمینداران بزرگ در درون نیروهای ضد امیرالیستی شکاف انداخته و مبارزات ضد امیرالیستی ما را از مسیر اصلی خود منحرف می کنند!

حال آنکه مبارزه واقعی علیه امیرالیسم را در شرایط کنونی نه زمینداران و ملاکین بزرگ، نه سرمایه داران و تجار گردن کلفت بلکه همین توده های عظیم کارگر، دهقان و

دیگر اقشار زحمتکش جامعه است که به پیش می برند و پیروزی رژیم شاه نیز به با پیگیری و جان نثاری همین ها صورت گرفته است. در شرایط کمونی چه در رابطه با روستا - ثلثانی که زمینهای ملاکین را به تصرف در آورده - اند و چه در رابطه با آن روستا ثلثانی که هنوز مشغول مبارزه برای تصرف زمینهای مالکین بزرگ هستند، نکاتی را باید یادآوری نما - شیم که در جهت ادا می این مبارزه و حفظ دستاوردهای مبارزاتی شان ضروری بنظر می - رسد:

۱ - دهقانان بی زمین و کم زمینی که هنوز به پیروزی دست نیافته اند باید برای پیشبرد مبارزات خود جلوگیری از تفرقه و برای حفظ یکپارچگی خود در مقابل زمینداران و ملاکین بزرگ چند نفر را بعنوان نمایندگان خود انتخاب کنند که از بهترین - ها مبارزین و آگاه ترین آنها باشند. این نمایندگان رهبری مبارزه را به عهده گرفته و به آن نظم می بخشند.

۲ - دهقانان با بد پیوسته جلساتی عمومی با یکدیگر تشکیل دهند تا در جریان پیشبرد مبارزه بوده و ضمن جمع بندی احوال کار خود، راههای پیشبرد مبارزه، خود را دریافته، تعیین کنند و از اختلاف و چندگانگی جلوگیری شود. این مطلب برای دهقانانی که به پیروزی دست نیافته اند نیز ادا می است چرا که انتخاب نمایندگان - گان آگاه و مبارز و سرگرای جلسه عمومی، دستاوردهای مبارزاتی آنها را در مقابل توطئه های بعدی مالکین، حفظ میکند.

۳ - دهقانان باید سعی کنند که از نفوذ دهقانان مرفه در میان خود جلوگیری کنند و نگذارند که رهبری مبارزاتشان بدست آنها بیفتد. آنها همچنین باید از نفوذ ملایان و عناصر مرتجعی که بهیچ وجه از درد و رنج دهقانان بی زمین و کم زمین بیونی نموده اند در میان خود جلوگیری کنند تا آنها ... سدی در مقابل مبارزات دهقانان ایجاد نکنند و یا احتمالاً از دستاوردهای مبارزاتی دهقانان زحمتکش بنفع خود، سود جویند. این امر برای دهقانانی که به پیروزی دست یافته اند نیز قابل توجه است. چه با نفوذ دهقانان مرفه و ملایان در میان آنها و تفرقه انداختن در میانشان، زمینه برای توطئه ها و دسائیس ملاکین فراهم می شود.

۴ - دهقانان باید تا آنجا که میتوانند با سایر روستا ها ئی که چنین مبارزاتی را دارند وجود دارند تماس گرفته و مبارزاتشان را با یکدیگر هماهنگ نمایند. دهقانان در این راه باید از کمک روشنفکران انقلابی و گروهها و سازمان ها ئی که در راه رهایی زحمتکشان مبارزه میکنند، سود جویند.

آری، همه این مبارزات و جنبش های دهقانی علیه زمینداران بزرگ، در متنی از مبارزه فعال آنها علیه امیرالیسم و بخصوص امیرالیسم آمریکا و بهمه راهی با بر زحمتکشان

بقی در صفحه ۱۴

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان





## ریشه‌های بحران مسکن در ایران - ۲ -

غارت و استثمار زحمتکشان همراه است. و نیز گفتیم که مسئله، مسکن نه تنها در کشور ما بلکه در دیگر کشورهای سرمایه داری با شدت کم و بیش در اینجا و آنجا وجود دارد.

طبیعتاً هنگامیکه مسئله ای را تولید و مالکیت خصوصی بر آن مطرح میشود، زمین نیز بعنوان یک منبع طبیعی ثروت از این قاعده مستثنی نیست. هنگامیکه مسئله مالکیت خصوصی بر زمین مطرح میگردد زمین نیز قاعده می تواند بعنوان یک کالا مورد مبادله و خرید و فروش قرار گیرد و قیمت آن نیز در بازار بر حسب عرضه و تقاضا، میزان سرمایه گذاری و نرخ سود که خود وابسته به میزان انحصار و احتکار آن درجا معمم باشد، تعیین میشود. گرایش به هم سطحی نرخ سود در رشته های مختلف اقتصادی یکی از اصول مسلط بر یک بازار سرمایه داری در دوران رقابت آزاد است در حالیکه در این مسئله در دوران امپریالیسم و انحصارات و بویژه در کشور ما که سلطه انحصار - طلبانه انحصارات امپریالیستی و وابسته داخلی بر تار و پود اقتصاد آن مسلط بوده است قیمت و ارزش کالای چون زمین و ساختمان نه تنها در شرق با آزاد و با گرایش به هم سطحی (که نتیجه آن بی ارزشی به علت منتقل شدن کلیه سرمایه ها به آن رشته کاهش نرخ سود در ساختمان سازی و زمین سازی است) بلکه عمدتاً ناشی از احتکار و تسلط انحصار طلبانه بر این بخش اقتصادی نظیر بخشهای دیگر بوده است. دنباله دارد...

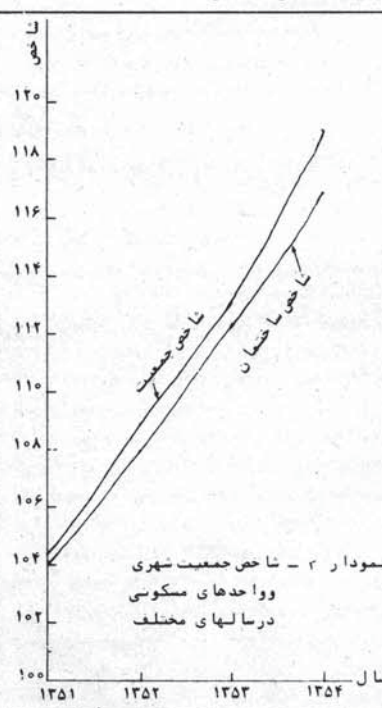
### اطلاعیه

#### گروه مارکسیستی - لنینیستی آخگر

ورق پاره، رنجبرانگان سازمان ضد انقلابی در شماره ۳۶ مورخه ۳۰ آبان - مطلبی تحت عنوان "بیانیه بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی آخگر" درباره پیوستن به اصطلاح "کمیته تدارک" ایجاد حزب کمونیست ایران درج کرده است که ما خود را موظف به ذکر نکته زیر دیدیم: هیچ فرد یا بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی آخگر به اصطلاح "کمیته ایجاد حزب کمونیست ایران" نیویسته و اصولاً اعضا آخگر با این کمیته و ما در آن به معنی "سازمان اتحاد مبارزه..." را تشکیل بایضد کمونیستی و ضد انقلابی میدانند. در حقیقت بیانیه مزبور نوشته فردی از اعضا سابق آخگر است که حدود ۷ ماه قبل به علت فقدان پرسنل و تجربه سیاسی و تشکیلاتی از گروه اخراج شده است. اعضا آخگر افتخار دارند که همواره از مواضع انقلابی طبقه کارگر دفاع کرده و دفاع خواهند کرد و برخلاف جوانک نویسنده، بیانیه مزبور هیچگاه به تعلق گویی از قدرتهای فاشیستی نیرداخته و نخواهند پرداخت. ما استفاده از نام گروه آخگر از طرف فرد مزبور را عملی شایسته و یک دزدی سیاسی قلمداد میکنیم و نشانه بی محتوایی و دروغگو بودن سازمان "ضد انقلابی" و شرکا، میدانیم. گروه مارکسیستی - لنینیستی آخگر ۱۸/۹/۳۰

واحدهای فعلی مسکونی در شهرها با خصوصیاتش که قبلاً شرح دادیم (که این بویژه برای تهران که بصورت حیرت آوری نیروی انسانی مناطق روستائی را جذب میکند، به رقمی حدود ۸۲/۸۰۰ واحد مسکونی در سال میرسد) طبق همین اظهار نظر ۱۶۵ هزار خانه نو در تهران مستاجرند. (۳)

این بودهای از وضعیت بحرانی مسکن در ایران. علیهذا بایستی به علل و عوامل بنیادی این مسئله که ریشه در اقتصاد سرمایه و غلبه حاکم بر کشور دارد و هر چندگاه آنرا در دستور بحث های روز مردم قرار میدهند بپردازیم. اما ببینیم که از دیدگاه ما آن مسائل اساسی که گره گاه اصلی بحران مسکن در ایران میباشد، چگونه بوده و امروز به چه صورتی است؟



داشتن مسکن، حق مسلم زحمتکشان است

جدول ۴ وضعیت نحوه، صرف واحدهای مسکونی توسط خانوارها را در برشماری سال نشان میدهد. همانطور که ملاحظه میشود در سال ۴۵ در کل کشور ۱۶/۲٪ از خانوارها در خانه های اجاره ای زندگی میکنند. علت این است که بودن این رقم در سطح کل کشور ساختمان های روستائی است زیرا در روستاها عمدتاً ساختمان های مسکونی بصورت ملکی است و خرید و فروش منازل و اجاره دادن به علت عدم رشد تولید کالائی کم تر رواج دارد. رقم مربوط به اجاره در مناطق روستائی که در سال ۴۵، ۵/۱٪ است این وضعیت را بخوبی نشان میدهد. حال آنکه در شهرها ۲۳/۴٪ از خانوارها بصورت اجاره ای زندگی میکنند. و ارقام مربوطه در مورد تیرهای اعداد مرکزی در رقم قابل ملاحظه ۲۹/۲٪ می رسد.

البته واضح است که اجاره نشینی در ایران عموماً در حال رشد بوده است زیرا جمعیت شهری سریعتر از ساختن منازل مسکونی رشد کرده است. این بحران را در جدول ۵ و نمودار ۳ که رشد جمعیت و رشد تعداد واحدهای مسکونی را در فاصله سالهای ۵۵ - ۵۱ نشان میدهد، بخوبی میتوان دید.

شهر حال طبق اشراف کارشناسان رژیم سابق در کشور ما هر سال در شهرها به ۲۰۰ هزار واحد مسکونی جدیداً محتاج است (بگذریم از

جدول ۴ - درصد خانوارها در مناطق کشور بر حسب نحوه، صرف واحدهای مسکونی

| مکان          | ۱۳۵۱ | ۱۳۵۲ | ۱۳۵۳ | ۱۳۵۴ |
|---------------|------|------|------|------|
| کل کشور       | ۵۹/۲ | ۱۲/۲ | ۱۶/۲ | ۱۲/۲ |
| سایر شهری     | ۵۰/۲ | ۲/۵  | ۲۳/۴ | ۱۱/۷ |
| بخش روستائی   | ۶۵/۲ | ۱۷/۲ | ۵/۱  | ۱۲/۵ |
| مناطق مرکزی   | ۵۱/۷ | ۶/۵  | ۲۹/۱ | ۱۲/۷ |
| سایر شهری     | ۴۸/۲ | ۲/۱  | ۳۹/۲ | ۱۰/۵ |
| مناطق روستائی | ۵۹/۹ | ۱۷/۰ | ۵/۲  | ۱۷/۹ |

ما جدول ساختن سرخااری عمومی جمعیت ساکن کل کشور در سال ۱۳۴۵ - مرکز آمار ایران

جدول ۵ - تعداد ساختمان ها و جمعیت شهرها در سالهای مختلف

| سال  | تعداد ساکنین در مناطق شهری | تعداد ساکنین در مناطق روستائی | جمعیت کل | تعداد واحدهای مسکونی |
|------|----------------------------|-------------------------------|----------|----------------------|
| ۱۳۵۱ | ۱۷۵۸                       | ۱۰۴/۱                         | ۱۲۹۳۱    | ۷/۳۵ = ۱۰۰           |
| ۱۳۵۲ | ۱۸۲۵                       | ۱۰۸/۱                         | ۱۳۲۹۶    | ۷/۳۹ = ۱۰۰           |
| ۱۳۵۳ | ۱۸۹۷                       | ۱۱۲/۴                         | ۱۴۰۱۴    | ۷/۳۹ = ۱۰۰           |
| ۱۳۵۴ | ۱۹۷۵                       | ۱۱۶/۹                         | ۱۴۶۸۷    | ۷/۴۴ = ۱۰۱           |

واحد - مرکز آمار ایران



# اخبار و مسائل جهانی



## توطئه جدید "امل" علیه مردم فلسطین و لبنان و نقش آقای چمران و طباطبائی

سازمان دست راستی "امل" در لبنان که گونه‌های ازمایش و عملکرد آن را در شماره های گذشته پیکار بیان کردیم، هم اکنون به کمک همدستان ایرانی خود مانند چمران، طباطبائی و... و از شرکت پول و امکانات و تبلیغات که بحای فلسطینی ها از ایران دریافت می‌دارد به صورت یک خطر جدی برای انقلاب فلسطین در آمده و نقش ارتجاعی خود را در ایجاد تفرقه بین توده‌های شیعه در جنوب لبنان و بینا همدگان فلسطینی نشان می‌دهد. سازمان امل و مرتجعین شیعه که بر شورای عالی شعبان در لبنان مسلط هستند در تبلیغات خود برای مردم لبنان چنین وانمود می‌کنند که گویا فلسطینی ها میخواهند جنوب لبنان را به عنوان وطن و محل اقامت دائمی خویش بدانند و لبنانیها را از جنوب اخراج کرده، خود بحای آنها بیاکن شوند! تاکنون هیچ فلسطینی و هیچ نیروی مترقی لبنانی تصور آنرا هم نکرده است که فلسطینی ها دست از وطن خود بکشند و جای دیگری را بعنوان وطن بپذیرند. لکن این دروغهای توطئه آمیز هم اکنون از سوی "امل" و دیگر نیروهای دست راستی و عمال اسرائیل منتشر میشود. از این طریق ارتجاع شیعه می‌کوشد توده‌های ناآگاه و محروم جنوب لبنان را به ضدیت با انقلاب فلسطین و نیروهای مترقی وادارد. انقلاب فلسطین تاکنون تنها به صورت حمله در مقابل این توطئه در لبنان به بکار برده است اما امل و همدستان آن دست -

بردار نیستند. خبر موش زبانی حقیقت را فاش می‌سازد: "روزها شورا مقابل حسینیه واقع در مرحله برج التبراجه بیروت و در حالیکه تعداد کثیری از مردم برای بزرگداشت این روز اجتماع کرده بودند یکی از افراد (الفتح بوسیله افراد "امل" مورد حمایت کلونه قرار گرفته کشته می - شود. مقاومت فلسطین برای جلوگیری از تشنج عکس العملی نشان نمی‌دهد اما موضع متشنج میشود. بلافاصله پس از این ترور نا - حواسمردانه، سازمان امل و دارودسته کامل - الاسعد (که از قشودالهای سرشناس جنوب لبنان و رئیس پارلمان این کشور است) و نیز عده ای از افراد رکن ۲ لبنان (که مثل ساواک مشهور است) وعده ای از عناصر دست راستی لبنان که گوش بزرگ توطئه هستند، حدود ۵۰۰ نفر ملحق را به سوی حسینیه مزبور می‌فرستند تا در برابر اقدام متقابل فلسطینی ها دست به عمل بزنند." امل برخلاف ادعای چمران و طباطبائی سلاح خود را به سمت فلسطینی ها! و نه اسرائیل، نشانه رفته است. از سوی دیگر سید حسین خمینی توه، آیت الله خمینی که چندی پیش به جنوب لبنان رفته بود و مقاومت فلسطین را تائید نموده و ضرورت همکاری و همبستگی بین شیعه - های جنوب و فلسطینی ها را مورد تاکید قرار داده بود هم اکنون مورد خشم دارودسته امل قرار دارد و به ونا سزا می‌گویند.

در پایان این یادداشت عکسی از صادی طباطبائی را که هفته پیش چاپ کرده و او را در انفرم امل نشان می‌دهد، می‌آوریم. البته تلویزیون خط زاده هم با اخترا تمام طباطبائی را در لباس امل برای مردم ایران نشان داد!



## تظاهرات ضد امپریالستی دانشجویان لبنانی و عرب مقیم ایران

روز شنبه ۲۳ آذر ماه دعوت دانشجویان لبنانی دانشگاه تهران و با مشارکت دانشجویان عرب و ایرانی یک راهپیمایی ضد امپریال - لیستی به سمت جاسوسخانه آمریکا آغاز شد. دانشجویان با پلاکاردها و شعارهای خود مراسب شعار خویش را از امپریالیسم و ارتجاع اعلام کرده از مبارزات خلقهای ایران و عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی نمودند. راهپیمایی با صفوف منظم به محل جاسوس - خانه آمریکا رسید. وقتی از بلندگو اعلام شد که تظاهرات کنندگان لبنانی هستند هزاران نفر از مردمی که در آنجا اجتماع کرده بودند فریاد زدند: درود بر سرادرلبنانی، شوره، شوره حتی - النصر (انقلاب، انقلاب تا پیروزی) و "امروز ایران، فردا فلسطین" سپس یکی از دانشجویان لبنانی پیش تریبون قرار گرفت و پس از شعارهای درود بر خلق قهرمان ایران، مرکز برکاتر، سادات، بگس "و مرکز بر ارتجاع" طی سخنانی از موج گسترده، مبارزات ضد امپریالیستی در ایران پشتیبانی کرد و اظهار داشت که اقدام به تخریب سفارت آمریکا را تنها جزئی از موج ضد امپریالیستی مردم ایران باید تلقی کرد. وی سپس قطعنامه، مبتنی بر زبان فارسی درآشت نمود که در آن چنین آمده بود: ۱ - ما از اغفال مرکز جاسوسی آمریکا پشتیبانی کرده و آنرا گام کوچکی می‌دانیم که باید در خدمت تخریبهای و سرسوزن ساز علیه امپریالیسم قرار گیرد. ۲ - ما از کلیه نیروهای انقلابی و توده ای خلق های ایران و عرب میخواهیم که در نبرد علیه امپریالیسم متحد شوند. ۳ - ما از کلیه نیروهای انقلابی عرب می - خواهیم که با خلق و نیروهای انقلابی ایران در نبرد علیه امپریالیسم مشارکت فعال نمایند. ۴ - ما خواستار قطع کامل نفوذ و سلطه امپری - الیسم در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... می‌باشیم. ۵ - ما نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب را که در مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران شرکت نکردند محکوم می‌کنیم. ۶ - ما ایجاد "دولت لبنان آزاد" به سرکردگی "سعد جاد" را محکوم کرده و با بودی این دولت دست نشانده را خواستاریم. ۷ - ما هرگونه تهدید یا دخالت نظامی علیه ایران را محکوم کرده، این تلاشهای امپریالیسم آمریکا را مکمل توطئه ضد فلسطینی و ضد عربی و ضد انقلابی کمب دیون می‌دانیم.



چهارشنبه ۵۸/۹/۱۴ را تعطیل کرده و یکپهانه به مسئولان امر مهلت داده اند تا نسبت به شائشی و دستگیری و محاکمه مزدوران تاراجگر اقدامات لازم را معمول دارند. دانشجویان صرف نظر از گروه بندیهای سیاسی ضمن صدور اعلامیه ای یکمدا این اقدام ارتجاعی را محکوم نموده اند.

حمله ارادیل و وابسته ها نشکده نقشه برداری شب شنبه ۵۸/۹/۱۳ عمال ارتجاع ضمن حمله به دانشکده نقشه برداری، کلیه اعلامیه ها و پوسترهای موجود در دانشکده را پاره کرده و فیلم و سوارکنای دانشجویان را به سرقت بردند. دانشجویان بعنوان اعتراض کلاهیای



## رفراندوم قانون اساسی "خبرگان" و موضوعی های نیزه های مختلف سیاسی درباره آن

شریعتمداری نیزه برخی "تناقضات" در قانون اساسی اشاره کرده و آنرا بهانه "عدم شرکت خود برای گیری می نماید": "حزب جمهوری خلق مسلمان" عمده دلیل خود را، برای عدم شرکت "اینها" و تناقضات این متن (که) حاکمیت ملی را نقض میکند "اعلام کرده است (شماره ۱۶ روزنامه "خلق مسلمان"). در این بیانیه ضمن اشاره به اصول ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۹۳ و ۹۴ که بدرستی بیان آشکارا حق آراء ملت و ولایت فقیه است، آمده است که: "در اصل اینجا و ششمین مبرور گرفته شده که به موجب حق الهی انسان بر سر توحش اجتماعی خویش حاکم می باشد و هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند، پس چگونه بموجب اشرواد این متن پیشنهادی فقیه اجنبی را می پیدا کرده است که میتواند این حق ... را از آنان سلب کرده یا کنترل نماید". در واقع لب مطلب مخالفت با ولایت فقیه است. چرا که ایشان با حاکمیت فقهی مورد نظر آیت الله خمینی، تنگ میداند که نخواهند توانست در قدرت سهم با خدنا بتوانند اعمال و خواست های بورژوازی شان را بیش ببرند.

آیت الله شریعتمداری اصلی ترس علل عدم شرکت خود را چنین توضیح میدهد: "دو اصل ۶ و ۵۶ که مطابق مقررات شرعی نیز میباشد، حاکمیت ملت را تثبیت و تقریر کرده اما اصل ۱۱۰ قانون اساسی اخبارات مردم را از ملت سلب کرده ..."

بنا بر این می بینیم علت اصلی مخالفت او همین اصل ۱۱۰ است که اخبارات بسیار زیادی را بطور انحصاری در دست آیت الله خمینی متمرکز میکند.

یعنی او اصل ۵ یعنی ولایت فقیه مخالفتی ندارد، اما با نحوه پیاده شدن آن که در اصل ۱۱۰ بطور مادی و مشخص آمده است مخالفت میکند.

جوهر هر دو استدلال حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت الله شریعتمداری یکی است: مخالفت با انحصار گیری آن جناح از روحانیت که گردد آیت الله خمینی جمع شده اند، و تلاش برای کسب آزادی برای سهم شدن در قدرت است.

وجه مشترک لیبرالهایی که در انتخابات شرکت نکردند و آنها که شرکت کردند:

اما تمامی لیبرالها چه آنانی که در قدرت سهم دارند و چه آنها که در قدرت سهم ندارند در یک چیز و در یک خط اساسی با هم یکی هستند و آن "خود غرضی" و فرستگاری فایده داشتن از خواست های توده ها و اپراداتی که از نقطه نظر منافع آنان به قانون اساسی وارد است. می بینیم لیبرالهای سهم در قدرت

نیزه که سرمایه های وابسته یا مدلی شود، نگویند ۴۰ ساعت کار در هفته، و سرمایه داران وابسته را از کارخانه ها اخراج نکنند، از نظر او نظم یعنی فراهم آوردن شرایط برای باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته و به راه انداختن کامل آن و ...

آری نظمی که از آن نام می برد یعنی "دیکتاتور بورژوازی" یعنی حاکمیت طبقات و اقشار بورژوازی و ارتجاعی بر خلق، و این نظمی است که همه لیبرالها آنرا دوست دارند!

ب - لیبرالهایی که در انتخابات شرکت نکردند

جریبانی های دیگر بورژوازی لیبرال، نظیر "جبهه ملی ایران"، "جمهوری خلق مسلمان" و آیت الله شریعتمداری، در این انتخابات شرکت نکردند. آنها برای کار خود "دلایلی" داشتند، "جبهه ملی ایران" از آنجا که در "خبرگان" نماینده ای نداشت و با بهتر بگوئیم از آنجا که اساساً نتوانستند در قدرت حاکمیت سهم پیدا کنند، فرمولی برای تصویب قانون اساسی "خبرگان" ارائه میداد که بخوبی امیال خود غرضانه اش را به نمایش می گذارد:

"... پیشنهاد میکنیم در اوضاع و احوال فعلی دستور فرمایند انجام رفراندوم بطور موقت متوقف شود و انتخابات مجلس شورای ملی برای این مرتبه در آنجا که در کشور یک نفر نماینده برای مردم انجام گیرد و طرح مصوب مجلس خبرگان و همچنین طرح پیشنهادی دولت موقت و سایر پیشنهادها تا تیکه برای تکمیل طرح مذکور تنظیم و ارائه شده است به مجلس شورای ملی داده شود ... (تا) به کار تدوین قانون اساسی نیز بپردازد ... (از نامه "جبهه ملی" به امام خمینی، آذرماه ۵۸)

آری، آنها می خواهند در چنین مجلسی (مجلس شورای ملی) حضور یا بند و فرست چانه زدن برای به کرسی نشاندن خواست های بورژوازی اش خود داشته باشند. ممکن است پرسیده شود مگر نه اینکه همین قانون اساسی بورژوازی است پس چرا ایشان را خوش نیامده است؟ در پاسخ باید گفت قانون اساسی فعلی در عین حال که ماهیت کلا بورژوازی و ارتجاعی دارد ولی بدلیل اینکه فقیه و پندهای مذهبی برای آن زده اند، بدلیل اینکه به "قشر ممتاز روحانیت" موقعیت خاصی بخشیده است، حکومت کلا بورژوازی را تضمین نمی کند و حاکمیت کل بورژوازی را با حقوق برابر در نظر نگرفته است، و به همین جهت "جبهه ملی" مجبور است هنوز برای داشتن حق برابر با دیگر جریبانی های بورژوازی چاره ببرد. هر چند که دیگر عمر تاریخی شان سر آمده باشد.

حزب جمهوری خلق مسلمان و آیت الله

دشمنان قبل راجع به قانون اساسی خبرگان صحبت کردند و گفتیم که چگونه این قانون با توجه به اینکه به خواست های دموکراتیک و فدا مهربانیست توده ها پاسخ نمیدهد و با توجه به اینکه حقوق مسلم و اولیه کارگران، یعنی حق اعتصاب را به رسمیت نمی شناسد و ۴۰ ساعت کار در هفته را برای آنها قبول ندارد و ... قانونی ضد انقلابی و ارتجاعی است. با توجه به این مسئله و همینطور چگونگی تشکیل خبرگان ما شرکت در رفراندوم قانون اساسی را تحریم انقلابی کردیم. و اینک می پردازیم به موضوعی جریبانی ها و نیروهای مختلف سیاسی:

### لیبرالها و قانون اساسی

الف - لیبرالهایی که در انتخابات شرکت کردند

جریبانی های مختلف بورژوازی لیبرال به همداختن با نداشتن در قدرت سیاسی مدلی، مواضع به ظاهر متفاوتی در مقابل قانون اساسی گرفتند. جریبانی نظیر "نهضت آزادی ایران" که با نمایندگانی چون بازرگان، سعایی و ... در هیئت حاکمه حضور دارند، و با حزب ملت ایران، که فروهر در رأس آن قرار دارد، برای تثبیت موضع و موقعیت خویش و درست بهمین دلیل که این قانون نه منافع خلق بلکه منافع بورژوازی را تامین میکند به آن رای مثبت دادند. آنها بخصوص از آنجا که هیئت "نظم" را برای حفظ موقعیت کسوی بورژوازی لازم میدانند، با این قانون موافق اند، سعایی در مصاحبه تلویزیونی بخوبی با تکیه زیاد به لزوم نظم این خواست را بیان میکند. بازرگان در این مورد می گوید:

دینت مهندس مهدی بازرگان در حسینیه ارشاد طی یک سخنرانی دواخته از مردم ووت کرد که با تعقل و اندیشه و با توجه داشتن به اینکه این انقلاب باید ماند و از هر دسیسه های برکنار باشد به قانون اساسی رأی مثبت بدهد و بداند که در کنار این قانون اساسی است که مملکت را زمین موج هرج و مرج به ساحل نجات و رهایی خواهد رسید.

می بینیم که بازرگان قانون اساسی را برای رهایی از "هرج و مرج" و در واقع برقرار کردن "نظم" مورد نظرش می خواهد. اما او اسم چه چیزی را نظم می گذارد؟

(با مداد، شنبه سوم آذرماه) مهندس بازرگان در ۹ ماه گذشته نشان داده است که نظم را نظرا و، یعنی اینکه با خیال آلوده و راحت به بازاری ارتش با همان ساخت ضد خلقی بپردازد، و کسی اعمال او فرماندهان مزدوری را که او سر می گذارد، افشا سازد و ...! نظرا و نظم یعنی کارگران سی - کارگرسته بخوابند و حتی سمیرندولی اعتراض نکنند، بلکه "صبر" بکنند ...

از نظر او نظم یعنی کارگران ساغر فریاد

## قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان





مراسم پرشکوه روز دانشجو چگونه برگزار شد؟  
دانشجو، محصل، پیوند با زحمتکش، پیوند با زحمتکش

اینک در تلاطم امواج خروشان مبارزات خلق، قطره‌های خون شهیدان میربالیست دانشگاه مهدی شریعت‌رخی، احمدقندچی و ممظفی - بزرگ‌نیاز تر از همیشه می‌درخشند و بیاد می‌آورد که این سه دانشجو مبارز، آتش مبارزه را بر علیه امیربالیسم ورژیم دست - نشانده اش، بررشر نمودند.

هر سال در ۱۶ آذر، دانشجویان سوگند خویش را در نیروی دگرپایان می‌بندند و با امیربالیسم و ارتجاع، تجدید می‌کنند و شعار می‌دهند: «همچنان به پیش می‌روند. ۱۶ آذر روز آذر - نشان مبارزه دانشجو، سبیل مبارزات همواره خروشان دانشجویان است».

برای تحکیم سوگند تجدید عهد با دانشجو - بان شهید، دانشجویان مبارز، دانشجویان هوادار راه کارگرو دانشجویان هوادار راه - مان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در دانشگاه پللی تکنیک گرد آمدند. علاوه بر دانشجویان، دانش‌آموزان و گروه‌های مختلفی از مردم نیز در این مراسم شرکت داشتند.

دانشجویان در سخنرانی‌های امیربالیسم و ارتجاع گفتند، از گردستان قهرمان و از مبارزات خلق تحلیل کردند و شعارهای انقلابی خواندند.

دانش‌آموزان سرود سردادند. شریعت - رضوی، قندچی و بزرگ‌نیاز خواننده که در تماشای خون سرخ تمامی شهیدان دانشگاه متبلور است. آنان که سرفرازانه در مبارزه با امیربالیسم و دیکتاتوری رژیم وابسته‌ها خاش، خون خویش را به پیشگاه خلق قهرمان ایران هدیه کردند، و پس از سرنگونی سلطنت جبار پهلوی، از آنجا که آتش عشق به خلق در سینه مبارزانشان شعله می‌کشید، از مبارزه با ارتجاع و ضد خلق دست برنداشتند و در این راه به شهادت رسیدند. **نایب‌الرئیس** بزرگ‌نیاز و **شهریار** خورشید پیوند کارگرو دانشجویان مبارز، احسان‌ناید - ها، شهریاران هیدها و مبارزانی که با جرم دفاع از آرمانهای خلق، شهید شدند... دهها و دهها دانشجوی شهید که تماشای در سینه خلق حک می‌شود و خاطره‌ها ن قلب مبارزان را بر سر از آرا ده و شور انقلاب می‌آورد. درود! هرود!

پس می‌نیز از سوی کارگران سبک‌رخوانده شد. کارگران آگاه مبارزات ضد امیربالیستی دانشجویان را به عنوان متحدان خویش ارج می‌نهند. مراتب با بیان می‌گردند و راهپیمایی سوی دانشگاه **شهران** آغاز می‌شود.

مغوف بهم غشده راهپیمایان، موج - زنان بر سینه خیابان می‌نزد و پیاپی تمام می‌شهیدان را به همراه می‌آورد.

"خون شهیدان خلق می‌دهد این پیام: مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع!"

پلاکاردها بر فراز جمعیت آویخته است. شعارها امیربالیسم و ارتجاع را هدف قرار داده است:

"مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما"

اساسی را مترقی میدانند چرا که خواهان قطع سلطه امیربالیسم آمریکا نیست.

ادامه دارد...

( نظیر فروهر، سعایی، بازرگان) و نه لیبرالهایی که در قدرت سهم ندارند (نظیر آیت‌الله شریعت‌مداری و جبهه ملی و...) هیچ - کدام از نادیده گرفته شدن حقوق خلقها، به رسمیت شناخته شدن سرمایه‌داری وابسته، پایمال کردن حق اعتصاب برای کارگران و محدود نکردن مالکیت بزرگ و... حرف نمی - زنند و نمی‌توانند هم بزنند چرا که آنها اساساً بر ضد زحمتکشان و منافع آنان هستند. آنها که در قدرت سهم دارند و برای "نظم" برای نو سازی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران با اعمال دیکتاتوری خود و با نشان لازم میدانند و آنها که در قدرت سهم نیستند از اینکه با مواضعی نظیر ولایت فقیه، و با قدرت دادن بیش از حد به آیت‌الله خمینی، که باعث میشود که اینها به قدرت دست پیدا نکنند راضی اند و تنها مخالف "انحصار طلبی" قدرتمندان هستند و لا غیر. بنابراین هر دو فقط و فقط بخود فکر میکنند و به منافع بورژوازی خود.

## رویزونیست‌ها و قانون اساسی

الف: موضعگیری رویزونیست‌های سبجانی:

آنها با عنوان ساختن نظامی سبجانی به عنوان نماد "عده" یعنی نهاد خلق با امیربالیسم سبجانی و با بر قدرت آمریکا و شوروی و "معیار" قرار دادن آن می‌گویند:

"قانون اساسی جدید مترقی" است (اعلامیه سبجانیان رویزونیست سبجانی - سازمان انقلابی و شرکا - در تاریخ ۵۸/۹/۵)

آری، از نظر آنان باید هم این قانون "مترقی" باشد چرا که آنان اردوین سرداد رویزونیستی خود حرف می‌زنند و نمی‌توانند - نکوه و خروش خلق ما را بر علیه امیربالیسم آمریکا بسند بلکه آنها از دیدن این مبارزه افسرده‌خاطر نمی‌شوند! چرا که آنها به ضرر رویزونیست‌های حاکم برجین میدانند!

آنان اردوین نهاد خلق ما با امیربالیسم سبجانی آمریکا عاجز هستند و به همین خاطر آنها نه فقط از اینکه قانون اساسی "بزرگان" از دشمن اصلی خلقهای ما یعنی امیربالیسم آمریکا اسمی نیز نبرده‌ها راحت نیستند، بلکه قلباً راضی نیز هستند، آنها نه فقط از

اینکه این قانون خواهان قطع سلطه امیر - بالیسم آمریکا نیست، ناراحت نیستند بلکه لبخند و فرات نیز بر لبان خود دارند، چرا که از نظر آنان باقی ماندن وادامه سلطه امیربالیسم آمریکا، ساختار جلوگیری از نفوذ شوروی نه فقط بد نیست بلکه بسیار خوب نیز هست. آنان بین خود و توده‌های زحمتکش و خلق - های سبجانی خواهان ایران که تنها با آنکه سر

آنها میتوان ضمن قطع سلطه امیربالیسم آمریکا مانع از نفوذ و حاکمیت سوسیال امیر - بالیسم روس بر ایران گردید، رابطه ای نمی‌بینند. بنا بر این حاضرند با انقلاب و با هرگونه دوا رتجایی که نسبت به سوسیال - امیربالیسم روس گرایش نداشته باشد بند و بست کنند.

در این راه است که آنان به خلقهای مایست‌گرفته اند، بر جلادی خلق کرد مهرتاشد می‌زنند، چرا که "حزب دموکرات" جز یکی از نیروهای سیاسی گردستان است. قانون

صف واحد، اتحاد دارند! می‌دهد:

"اتحاد، اتحاد، علیه امیربالیسم" قریب‌ها، دانشجویان دانش‌آموزان مبارزه سوی کارگران و زحمتکشان فرا می‌خواند، آنها که نیروی لازمال خلق شفته است:

"دانشجو، محصل پیش‌سوی پیوند ما - مردم زحمتکش!" دانشجو، محصل پیوند با زحمتکش پیوند با زحمتکش!"

فرا فرا ز قریب‌ها مبارزه است و سینه‌ها

لیبریز از شوق:

"سرما به او بسته بدست زحمتکشان ملی باید - گردد!"

تک صداهای از گوشه و کنار می‌کنند

این قریب‌ها متحدانه ایستادند، اما موفق نمی - شوند. جمعیت در پی دهوایا شوق به صف می - نگرند و راهپیمایان همچنان به پیش می‌روند:

"قانون اساسی بزرگان، زنجیر - است بیای زحمت -

کشان"، "فقر و ستم، استعمار و دروغ بزرگان،

همچنان با بر جاست"

آری، تنها کسانی بواقع ضد امیربالیست

هستند که در کنار زحمتکشان قرار دارند و نه

در مقابل آنان:

"کرد، عرب، ترکمن، مبارزان واقعی علیه امیربالیسم"

"صبا د زلی، خلق دلاور کرد، مبارز واقعی علیه

امیربالیسم"

تنها نیروی خلق است که پیگیرانه مبارزه

ضد امیربالیستی را پیش می‌راند، چرا که

رها می‌آورد و قیدنا بودی این غول جها بخوار

است:

"با زکشت شاهان، اعدا شاهان، کوچکترین

خواست خلق"، "مهمترین خواست خلق، نابودی

آمریکا، نابودی ارتجاع"

صف به ده دانشگاه نزدیک میشود، شعبه

همیشه پر خروش دانشجویان فرا را می‌کنند:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی"

خیابان میلرزد، صف طولانی راهپیمایان

بان وارد دانشگاه، این سنگر آزادی میشود.

فریاد "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، همچنان بلند

است.

راهپیمایان به ده دانشگاه می‌رسند،

آنجا که خون اولین شهیدان دانشجویان گونش

کرده بود، پس از آن روز دانشگاه هرگز آرام نبوده

است. هر سال دانشجویان شهید شدند، بجنگ

با واک افتادند، ولی از مبارزه روی برنشان

فتند. و اینک، جمعیت در درگاه دانشگاه می،

بیاد می‌آورد، ویتما می‌شدهای دانشجو

درود می‌فرستد. ما همه با این شعله‌های سرکش

درود می‌فرستیم، با دشان گرامی باد!



بقیه از صفحه ۲

به مناسبت ...

و سیاسی متشکل می شدند. کمیته ایالتی حزب توده که در فروردین ۱۳۲۱ شروع به فعالیت کرد سازمانی که تشکیلات فرقه دموکرات ایران را متعالی نمود. آغا رکورد (۱۲ شهریور ۱۳۲۴) تنها تشکیلات سیاسی بود که جنبش دهقانان و زحمتکشان آذربایجان را رهبری میکرد. زحمتکشان زیر فشار طاقت فرسای زندگی و سرکوب و حشانه هیئت حاکمه به حزب توده روی می آوردند. ولی حزب توده و رهبری ایپورتونیست آن حزبی نبود که بتواند این سبیل خروشان توده ها را رهبری کند. رهبران حزب توده بهیچ روی انقلاب اجتماعی را پیش روی خود نمی گذاردند. این سازشکاران جوانیکه از جمله او با شواجیان به سازمان های حزب خود و جرح و کشتار را عصب و هواداران و زحمتکشان ناله و زاری کنند هیچ کاری بخیزان نمیگاری، به این وان ایحای نمی دادند. این مسئله وجود یک موقعیت انقلابی برای یک قیام توده ای مبارزان و آزادیخواهان آذربایجان را بر آن داشت که تشکیلات مستقلی برای خود بوجود آورند و انقلاب اجتماعی را با هدف سرنگونی ارتجاع و امپریالیسم در دستور روز گذارند. بنیان گذاران این حرکت انقلابی سدحفریستوری کمونیست انقلابی و فرزند خلف آذربایجان بود. پیشه وری از مبارزان دلیر آذربایجان بودند که دوران کودکی خود را با رخ و منتق فراوان سری کرده و در ۱۴ سالگی به قیامها و مبارزات پرداخته بودند. او در مبارزات انقلابی روسیه عملاً شرکت کرده بود. سپس به تهران آمده و برای مرکزی اتحادیه کارگران را بوجود آورد. در نهایت متکثر شرکت کرده و بالاخره در سال ۱۳۰۹ بوسیله ما مهران رضائیه دستگیر و محکوم گردیدند. پس از آن بیشه وری تا سال ۱۳۲۰ و سقوط رضائیه و انقصال ایران توسط متفقین عمر خود را در زندانهای اسناد گذراند.

سدحفریستوری به مقدم در راه تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان بود. تشکیل فرقه بدون اطلاع حزب توده و تنها با صلاحیت دولتی و سوری انجام گرفت. موسسین فرقه معتقد بودند که حزب توده سبکلاهی است با رلمانا - رستی که آن را برای انجام انقلاب و حصول اجتماعی کاری ساختند و در حالیکه فرقه

(۱) - گذشته چراغ راه آینده است - بغیل مولهای صفحات آینده بهرطور عمده از همسین مبلغ گرفته شده است.

(۲) - خاطرات آنکه انقلاب توری و دموکراتیک منبش ما علیه ریم ۷۰ سال لالی سیاسی بنمیر برسد است. امروز هم همان حق کشتیا و جیا - با بدو روزی می بنمیر. برای مثال قاسون ایایی "میرکان" حقون پلیس ها را میکشید و دولت جمهوری اسلامی هم بدست آقای جمران و امثال او پسین فتوای الهی کرد و بلوچ اسلحه یحی میکشید و لایله از "انقلاب" (۹) دفاع نمایند!

(۳) - آذربایجان شماره ۱، ۱۴/۶/۲۴ (شیل از گذشته چراغ راه آینده)

(۴) - همان ماحد، شیل از آذربایجان شماره ۱ مورخه ۱۲/۶/۲۴

(۵) - همان ماحد، شیل از آذربایجان شماره ۲ مورخه ۲۴/۶/۲۴

دموکرات و طبقه، خود را انقلاب ملی و دموکراتیک قرار داده بود.

همانطور که اشاره کردیم، جنبش دموکراتیک آذربایجان علیه ریم غارتها و کشتارها و تبعیدها به پیش می ناخ. سپاهیان عظیم آزادی فریاد می زدند: "باید دولت آزادیخواه و یشتیان دموکراسی در ایران بر سر کار آید، ملت ایران با بدجا کم بر سر نشت خود با شد. زحمتکشان می خواستند آزادی آذربایجان با یکا می برای آزادی سراسر ایران با شد. آنها چه در قیام دلیرانه، خود در صدر مشروطیت برهبری ستارخان و چه در قیام دیگر خود برهبری شیخ محمد خیابانی نشان داده بودند که آذربایجان قلب بر طیش انقلاب دموکراتیک و ضدا امپریالیستی ایران است و فرقه دموکرات نیز در آغاز امر

فرقه ما به تمام معنی فرقه ای است ملی - بدین ترتیب بود که فرقه دموکرات ایران جریانی شد که بجای آنکه متکی به دهقانان و زحمتکشان آذربایجان با بدو دست سوز و زاری و خرده سوز و زاری قرار گرفت و این طبقات مواضع مهمی را در تشکیلات فرقه اشغال کرده و در موقع خود بیشترین ضربه را به جنبش دموکراتیک آذربایجان وارد آوردند. مرا مانا به انحرافات اساسی آنرا نشان میداد. در بدست مرا مانا به آمده بود "موسسین فرقه دموکرات آذربایجان بخوبی میدانند که نیروی مولد ثروت و قدرت اقتصادی با زوی توانای دهقانان است. لذا این فرقه نمی تواند جنبشی را که در میان دهقانان بوجود آمده را دیده بگیرد. از این لحاظ فرقه می خواهد که برای نامیسن

جنبش دموکراتیک آذربایجان و تشکیل حکومت ملی، خلقهای سراسر کشور را به هیجان در آورد. همه به حق منتظر بودند که حکومت ملی بسیج نظامی داده و برای سرنگون کردن حکومت تهران حرکت کند. شکی نبود که اوضاع انقلابی در سراسر کشور موجود بود و زمان برای تصفیه حساب با ارتجاع و امپریالیسم فرا رسید بود. ولی این انتظار بیپایه بود زیرا فرصت طلبانی که بقدرت رسید بودند، دیگر منافع خود را تا مین یافته میدیدند. بورژوازی که در قدرت قرار گرفت، منافع از حرکت قاطع و انقلابی خلق مسلح برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی شد بود.

احتیاجات دهقانان قدیمی اساسی بردارد. مخصوصاً تعیین حدود مشخص بین اربان و دهقانان و جلوگیری از مالباهای غیر قانونی که بوسیله بعضی اربان با اختراع شده یکی از وظایف فوری فرقه دموکرات است. فرقه سعی خواهد کرد این مسئله به تنگلی حل شود که هم دهقانان را می شود و هم مالکین به آئینده خود اطمینان پیدا کرده و با علاقه و رغبت در آباد ساختن ده و کشور خود بکوشند. زمینهای خالصه و زمینهای متعلق به اربانی که آذربایجان را ترک کرده و فرار اختیار نموده اند و محصول دسترنج خلق آذربایجان را در تهران و سایر شهرها به مصرف می رسانند یا به بیرونی میزاج می نمایند، بنظر فرقه دموکرات باید بدون قید و شرط در اختیار دهقانان قرار گیرد. و "اختلاف موجود بین دهقانان و اربان با از طریق صلح و سازش حل میشود" (۴) و کارگران و کارفرمایان دست بدست هم دهند و همه طبقات از هر گونه مبارزه طبقاتی انصراف حاصل کنند زیرا مبارزه طبقاتی بیش از گرفتن آزادی میسر نخواهد بود. اول ملت با بدحق و احتیاجات سوزی خود را بدست آورد، بعد از اطراف کم و کسر آن مبارزه کند (۵). بهر حال فرقه دموکرات با بدینست گذشتن بر ما می که ما منافع بورژوازی ملی - لیبرال ایران را تا مین میکشد عملاً دچار انحرافات بزرگی شد و وجود همین انحرافات یعنی جدا کردن مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی بود که فرقه را به سازشکاری کشاند و آخر سر با بورژوازی ارتجاع حاصل قیام نموده با پیمال گردید. ادامه دارد ...

که سازشکاران و غارتها و سوز و زاری هنوز در درون آن رخ نموده بودند از زبان پیشه وری اعلام میکرد:

"ما هیچ وجه در صد تخریب نیستیم. ما می خواهیم که در حدود سرحدات ایران ... در کارهای داخلی خود مختار باشیم. در صفحات آینده به اختصار نشان خواهیم داد که فرقه دموکرات با خطر ضعفهای درونی خود و انحرافات که در آن وجود داشت به تنها نتوانست به اهداف خود های زحمتکش که اکثریت آن را دهقانان تشکیل می دادند حمله عمل بیاورد بلکه در چرخه هدفهای محدود ملی هم کام گردید. امری که ناگزیر بود و هست.

بگاهی به نظرات فرقه دموکرات اولسین سانه فرقه دموکرات در ۱۴ شهر - بورما ۱۳۲۴ که حاوی نظرات اساسی موسسین آن بود انتشار یافت. پس از چند کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان که ۶ هزار عمود است بدون اجازه کمیته مرکزی حزب، جدائی خود را از حزب توده اعلام داشته و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوست.

سایه فرقه و عملکردهای بعدی آن نشان از انحرافات قابل ملاحظه ای بود که زهبران آن داشتند. بنظر موسسین فرقه، مبارزه ملی مساویست جدا از مبارزه طبقاتی با شد: "فرقه ما فرقه ای است ملی و لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم جماعت را بر سر پرچم خود قرار می خواند. " (۳) و با "راه کا کلا درست و روسی است: ما در فکر مبارزه طبقاتی نیستیم





## قطع دست کارگر، در جامعه سرمایه داری ...

پیروزی کارکنان شرکتهای  
حفاری و خدمات جنبی

کارکنان مبارز شرکتهای حفاری و خدمات جنبی که با خواستههای ایجاد شرکت ملی حفاری ایران و استفاده کلیه ۴۵۰۰ پرسنل شرکتهای حفاری و خدمات جنبی در شرکت ملی حفاری جلوگیری از خروج دکلها و لوازم بزرگ حفاری از ایران، از روز یکشنبه ۲۷ آبان در محصل اداره مرکزی شرکت نفت دست به تحمّل زده بودند، همچنان به مبارزه پیروزمند خود ادامه داده و در محل اداره مرکزی تحمّل داشتند.

روز پنجشنبه اول آذر کارکنان متحصّن پنجمین و ششمین بیانیه، خود را مادر کردند. در پنجمین بیانیه از عدم انعکاس خواستههای حق طلبانه خود که در مسیر واقعی مبارزات ضد امپریالیستی بوده است، از وسایل ارتباط جمعی انتقاد کرده و خواهان پشتیبانی نیروی های انقلابی شده بودند.

در ششمین بیانیه کارکنان حفاری ضمن اشاره به اخراج کارکنان زحمتکش شرکت ها - لیبرتون این اقدام را یک عمل امپریالیستی به منظور پراکنده کردن تخصص های فنی صنعت حفاری برای زمینه سازی بازگشت مجدد کار - نشان و با وسایل خارجی قلمداد کرده و آن را اقدامی از طرف دشمنان مردم دانسته بودند. در این بیانیه ضمن تاکید بر خنثی کردن کلیه توطئه های عوامل امپریالیسم جهانخواه توسط نیروها و اقشار انقلابی با رد دیگر خواهان پشتیبانی نیروهای انقلابی شده بودند. لازم به تذکر است که در محسوسه تحمّل و مبارزات کارکنان حفاری، از طرف شرکت های لیبرتون کلیه کارکنان اخراج شده و محکوم اخراج آنها در روزهای آخر آبان صادر شده بود.

روز یکشنبه چهارم آذر هیئت اطفای وزارت نفت برای مذاکره به اهواز وارد شد. دوتن از اعضای هیئت اعزامی از تهران، بنام مهدوی و نظرنیا از چهره های شناخته شده و مغرور صنعت نفت هستند. مهدوی کسی است که در موقع خروج دکل های حفاری شرکت آمریکائی "سانتافه" امضای او پای اوراق خروج قسّار گرفته است. همچنین نظرنیا در طی مدتی که از طرف شرکت نفت سرپرستی شرکت حفاری سد - کو - سد ایران را برعهده داشت بخوبی ماهیت ضد کارگری خود را نشان داده بود.

روز سه شنبه ششم آذر ساعت ۱۲ هیئت اعزامی به منظور مذاکره با نمایندگان شورای کارکنان به محل اداره مرکزی شرکت نفت (محل تحمّل) آمدند و تا ساعت ۵ بعد از ظهر با نمایندگان به مذاکره پرداختند.

بعد از مذاکرات، نمایندگان کارکنان و هیئت اعزامی در ج کارکنان متحصّن حاضر شده و آنگاه نمایندگان اعلام کردند که پس از ساعتی بحث به توافقهایی با هیئت اعزامی رسیده اند و سپس متن توافقنامه قرائت شد.

بیکارند، کارگری با دستهای ناقص چه تضمینی میتواند داشته باشد؟

این واقعیت کثیف جامعه سرمایه داری است. و این فجایع تا زمانی که کارگران هم - چون ابزار در خدمت سرمایه داران و حکومت - های حامی سرمایه قرار بگیرند، همواره تکرار خواهد شد. تنها زمانی (حادثه)، جامعه نخواهد بود (بدلیل وجود امکانات کافی، وسایل ایمنی و تامین بودن زندگی خانواده کارگر حادثه دیده) که کارگران خود قدرت را در دست بگیرند و حکومت زحمتکش را برپا کنند. آنگاه زندگی تمامی کارگران و زحمتکشان جامعه، تضمین خواهد شد. و اکنون، کارگران با دولتی ضد انقلابی و روبرو هستند که مبارزات آنان را بر علیه ظلم و ستم سرمایه داران، عملی "ضد انقلابی" میخواند و حتی برای اعتصاب ۲ تا ۱۰ سال زندان تعیین میکند. در مقابل چنین حق کشیهای کارگران با بد خود دست بکار شوند - و در دره حقوقشان را از حقوق سرمایه داران بیرون بکشند. حق بیمه بیکاری، یکی از این حقوق ابتدائی کارگران است که زحمتکشان جامعه ما از آن محروم اند. کارگران با گرفتن هریک از حقوق خویش سرمایه داران را وادار به عقب نشینی میکنند. علاوه بر آن از مبارزه خود تجربه می آموزند و در پرتو تاجار خود و آگاهی متشکل ترمی شوند. و برای نابودی نهائی استثمار به پیش می روند.

مهمترین سلاح کارگران در این مبارزه حیاتی، وحدت و تشکیلات است.

## کارگران بیکار بدون توجه به تهدید پاسداران راهپیمایی کردند

## کامیاران

۵ - پشتیبانی از خواستههای مردم مبارز کامیاران (تامین آب، برق، بهداشت، مسکن و ...)

۶ - تقسیم زمینهای مزروعی فئودالهای مرتجع منطقه بین دهقانان زحمتکش، بخصوص زمینهای روستای الک و ماراب که توسط دولت ضبط شده است. (۸)

۷ - محکوم نمودن سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان خصوصاً سرکوب مبارزات ماهیگیران انزلی و خلیجهای عرب، ترکمن و کرد.

تظلمه کنندگان اعلام کردند که اگر پس از یک هفته به خواستههای آنها رسیدگی نشود در بختداری کامیاران تحمّل خواهند کرد.

۸ - لازم به تذکر است که زمینهای روستاهای الک و ماراب در زمان رژیم مغرور پهلوی توسط خود دهقانان زحمتکش محاصره شده بود اما ارتجاع درپوش حاکمان را بهانه ای به گردن زدنی زمینهای این دوا بادی را ارتکان و رزان پس گرفت.

دستهای توانای کارگران سرمایه - های آمریستند. اما تنها سرمایه کارگر با زوا ن است. آنگاه که کارگری در جامعه سرمایه داری دستهایش را از دست بدهد، برای اوسمعی از دست دادن وسیله زندگی، از دست دادن نان و آب، بمعنی فقر و سیاه روزی و در یک کلام بمعنی نابودی است. روز شنبه ۵۸/۹/۲ در کارخانه ری، واک حدود ساعت ۱۰ صبح قریب دهسای دلخراشی کارگران را از خاکنده و سراسیمه به قسمت فوطی سازی کشانید. آنجا، دست کارگری زیر غلظت ماند و له شده بود. چنان تما می کارگران به دست خویش رفیقان دودخته شده بود. و یک فکر با ساحت در مغزتان میجرید و آثارشان میداد: هریک از آنها می باید منتظر چنین سرنوشتی باشد. یکی از کارگران فکری را بیان کرد: "این نهاد اولین بار است و نه آخرین بار. فردا سوت کیمت؟" تنها آمبولانس کار - خانه کارگر دیگری را به بیمارستان برده بود.

تنها سرمایه دار است که کشت نمی گردد. کارگر برای او مانند "بوا" است. و او چه کاری دارد که به آسانی این ابزار ناقص را با ابزار سالمی عوض کند؟ خیل بیکاران پشت درهای کارخانه خال او را از بابت کشود کارگزاران حاکم کرده است. کارگر هم ایستاده میماند. در بیمارستان، زمانی که کارگر مدوم بهوش می آید. اولین سخنی که بر زبان می آورد این است: "دستم را قطع میکنند؟ پس تکلیف زن و بچم چه میشود؟" آری، او در غم از دست دادن دستش نیست. بیکار تا مین معاش است. آخر در جامعه ای که منسوبها انسان با دستهای سالم

با وجودیکه سرمایه داران مستقر در کامیاران ضمن صدور اعلامیه ای مردم را تهدید کرده بودند که هرگونه اعتصاب، تحمّل و راه - پیمائی را با شدیدترین وجهی سرکوب خواهند کرد، ولی کارگران بیکار را پس شهرستان در تاریخ ۵۸/۸/۲۶ بدون توجه به تهدید پاسداران سرمایه، دست به نظرات بردند. حمایت مردم مبارز کامیاران از این نظرات جدی بود که پاسداران حرات نکردند به آن حمله کنند. در پایان نظرات قطعنامه، کارگران بیکار خوانده شدند که در زیر خلاصه چند سندان را ملاحظه می کنید:

- ۱ - ایجاد کار برای کلیه بیکاران
- ۲ - پرداخت حق بیمه بیکاری
- ۳ - ایجاد کارخانه در شهرهای کوچک
- ۴ - پشتیبانی از معادله نظامی ۸ ماده ای میبادوستند.

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل



و تازه تنها عفت‌نیتی مقامات حاکم یعنی اسخام کارکنان هم هنوز دارای تضمین و بستوان عملی نیست و همچنانکه کارکنان آگاه خود به این مسئله واقف هستند، هیچ گونه تضمینی وجود ندارد که مقامات حاکم به این قول و قرار خود بطور کامل جامه عمل پسوندند. این امر مسئله دور از ذهنی نیست و مقامات حاکم تاکنون بارها و بارها با سی-تسین وعده و وعیدهای خود را بر سر نهادند و قول و قرار خود بشت بازده اند. و این بار نیز همچنانکه قبلاً تریه به وعده خود درباره تشکیل شرکت ملی حفاری شت بازده، مقامات حاکم ممکن است به این حداقل توافقی خود تسریست- بار بزنند. وظیفه کارکنان آگاه و مبارز شرکت-های حفاری است که با ارفا، آگاهی و تشکیل کارکنان مبارز، آنان را برای مقابله با هرنوع توطئه و فریبکاری مقامات مسئول آماده نگه دارند.

پیرو ریادسارزات کارکنان شرکت‌های حفاری و خدمات حفاری

صبح روز چهارشنبه ۷ آذر به تحصن خانه دهد. صبح روز چهارشنبه ۷ آذر کارکنان در محل تحصن اجتماع کردند و قطعنامه‌ای تراثت شد که در آن اشاره شده بود ترک تحصن به منزله پایان مبارزه نیست بلکه صرفاً ایجاد موقعیتی می باشد تا مشخص شود که هیئت اعزامی تا چه حد قصد انجام کار دارد و کارکنان آمادگی دارند که با هرنوع کارشکنی درآینده مقابله کنند.

علیرغم عدم موضعگیری مریح هیئت اعزامی درباره تسبیل شرکت ملی حفاری و عدم پاسخ به خواسته مهم کارکنان مبنی بر جلوگیری از خروج دکلهای حفاری و تنها موافقت هیئت اعزامی با یکی از خواسته‌های کارکنان یعنی استخدام رسمی کارکنان در صنعت نفت، با این وجود کارکنان مبارز شرکت‌های حفاری و سروس دهنده، توانستند در پناه اتحاد و همبستگی خود و تداوم مبارزه خود تا بیک پیروزی نسبی دست یابند. اما در عین حال باید گوشزد شود که هنوز نسبت به آسای ترین خواسته‌های کارکنان پاسخ صریحی داده نشده

روز سه‌شنبه ششم آذر قبل از مذاکره هیئت اعزامی با نمایندگان شورای کارکنان حفاری و خدمات حفاری اطلاعیه‌ای از طرف هیئت تحت عنوان "هیئت تشکیل و تجهیز شرکت ملی حفاری ایران" صادر شده و ضمن آن از مقدمات تشکیل شرکت ملی حفاری صحبت شده و سپس تشکیل هیئت ما مورسیدگی به مواج خدمت و انجام امور اسخام را به منظور جذب کارکنان بیمه‌کاران حفاری و شرکت‌های سروس دهنده حفاری در صنعت نفت که تا قبل از پیروزی انقلاب در آن شرکت‌ها اشتغال بکار داشته اند، اعلام داشته بود و از کارکنان شرکت‌های حفاری و سروس دهنده دعوت شده بود که از تاریخ چهارشنبه ۷ آذر ما برای شت نام مراجعه کنند. و شروع رسمی اشتغال بکار از اول دی- ماه ۵۸ اعلام شده بود.

تسوجب این توافقنامه که توافقی تا متن اطلاعیه شماره ۱ هیئت اعزامی که قبل از مذاکره صادر شده بود، مذاکرات کلیه کارکنان شرکت‌های حفاری و سروس دهنده از صبح چهار- شنبه ۷ آذر به استخدام رسمی وزارت نفت در- می آیند و از اول دیماه ۵۸ در لیست دریافت کنندگان حقوق قرار می گیرند. به موجب این توافقنامه کلیه کارکنان ابتدا به استخدام وزارت نفت در می آیند. و بعداً تعداد مورد نیاز شرکت ملی حفاری از بین آنها انتخاب شده و بقیه در بخش‌های مختلف وزارت نفت به کارگمارده می‌شوند. در این توافقنامه تشکیل شرکت ملی حفاری ایران به صراحت اعلام نشده و جزو یکی از مواد حداقلی، قطعنامه نیست. همچنین یکی از خواسته‌های مهم کارکنان مبارز حفاری یعنی "جلوگیری از خروج کلیه دستک‌های حفاری و لوازم بیدگی و وسایل شرکت‌ها" هیچ گونه اشاره‌ای نشده است. آنچه که از متن توافقنامه منظر می‌رسد تنها با یکی از خواسته‌های کارکنان مبارز حفاری یعنی "استخدام رسمی کارکنان در شرکت نفت" آسهم صورت یک توافقنامه در حرف و بسودن بسوانه، موافقت شده است و عملاً نسبت به دو خواسته آسای دیگر یعنی ایجاد "شرکت ملی حفاری" و "جلوگیری از خروج دکلهای" توجهی شده است.

سعداقرات توافقنامه، کارگمران عکس‌العمل‌های متوافقی سرور دادند. عده‌ای از کارکنان را اینکه قول اسخام داده شده است را می‌نظر می‌رسد. اما عده‌ای از کارکنان آگاه معتقد بودند که چون این توافق- نامه هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد و از آنجا- که شکی در توافقنامه هیچگونه اشاره‌ای به مصادره اموال شرکت‌ها نشده است، و ممکن است اموال شرکت‌های آمریکایی برای آسهای فرستاده شود، و از آنجا که اساساً مشخص نیست که شرکت-کلیه ۴۵۰۰ نفر برسر شرکت‌های حفاری و خدمات حفاری را استخدام کند، پایان دادن به تحصن کاردرستی نیست. اما شورای کارکنان تصمیم گرفت که

## مبارزه برای رسمی شدن ادامه خواهد یافت

### یک گام ازده گام! - آبادان -

اعتصاب باحت‌هایی که در سب خود دادند و باجمعی از عملگر دولت سرمایه‌داران و با توجه به برپا گذاشتن توافقی با مخر دماه توسط "امان قلابی مستمعین؟! هر چند بیشتر به ما هیئت استمارکاران و مدخلی رژیم حاکم پی بردند. و از همین روست دستورالعمل عملی معین فرمها بدیده بردید می نکرد.

در سبگری که کارگران در اس مدت و در طول اعتصاب حق طلبانه، خود گرفتند، اس بوده که به تشری نخواهند توانست به حسی استانی و اولیه خود (رسمی شدن) دست یابند و به همین دلیل کوشش کردند تا دیگر کارگران بهمانی صنعت نفت آبادان راه اند فراخوانند. اما متاسفانه علیرغم اینکه سخن دیگری از کارگران را حتمی بهمانی (شرکت رمنگو) با خواسته‌های جدوداً مناسب دست به اعتصاب زده بودند، هیچگونه همکاری و وحدت عمل مشخصی در بین این دو بخش را ر اعتصابیون حاصل نشد. مستحکم با اتحاد کارکنان بهمانی

سراخام کارکنان اداره ختانی و عملیات غیر صنعتی شرکت نفت که از روز ۲۲ آبان بخاطر عدم رسیدگی مسئولان امور به خواسته‌های بحق خود و عدم پرداخت حقوق تعطیلی بختنه- هادست به یک اعتصاب همگانی زده بودند، در تاریخ سوم آذر ما به پرازیارکت نمایندگان- شان از تهران که موفق شده بودند معین فر را به اجرای سخن باجری از خواسته‌های شان وادار کنند، پسرکار را رکتند.

اگرچه نتیجه، ملموس اس اعتصاب ۳۱ روزه، تحقق بخش با چیز محدودی از خواسته‌های حق طلبانه کارگران است. ("از اول میرویدین ماه ۵۹ همه اندر آنچه کارکنان شرکت نفت سبیره" حسی دریافت می دارند... و حق خرید از شرکت‌های تعاونی... و هزینه مسکن نیز از اول آذر ما ۵۸ معادل هزینه مسکن کارکنان شرکتی...". سفار دستورالعمل معین فر) اما اس اعتصاب تحریکات مثبتی برای کارکنان داشت. کارکنان مبارز در طول

دیسرستان فردوسی (تهران)

روز چهارشنبه ۵۸/۹/۷ بدیال پاره کردن اعلامیه‌ها و پوسترهای موجود در مدرسه توسط سه تن از دانش‌آموزان تحریک شده دانش‌آموزان دیسرستان ضمن برپائی اجتماعی سبت به اس عمل غیرانسانی اعتراض کردند. دانش‌آموزان ضمن افشای ماهیت کسانیکه بدین‌گونه اعمال دست می‌زنند، خواستار محاکمه، ۳ دانش‌آموزی منطق، در سبیر کلیه، دانش‌آموزان شدند. مسئولان دیسرستان قول دادند که ابیل کار سبدر سرکاری را فرادوم اجرا خواهد شد.

بقیه از صفحه ۷

میهنمان صورت گرفته و خواهد گرفت و بر کلیه سازمانها و گروه‌های انقلابی و مبارزان است که در ادامه یافتن و بالا رفتن سطح اس دوره سوس و امیدوار کنند، مبارزان، دهقانان میهن ما را یاری دهند.

★ ★ ★

سفلیت کمبودجا، شرح مبارزات دهقانان مبارز "شهرم کلا"، "علی آباد"، "انارده" و "جنکار" و همچنین مبارزه دهقانان بی زمین روستای "کمانگیر کلا" دست سر را در شماره، سبدها می آورد.

# نان، مسکن، آزادی



علامه عده‌ای از زندانیان سیاسی :

## خلق قهرمان ایران!

چندی پیش مطالبی در مورد کاردا دگاه‌ها و محاکم شرع و تیزماتل درونی زندانیان - در جرایم و رسا نه‌های خبری کشور درج شد، از آنجا - شبکه گزارشات مندرج در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون سا سوروزده رژیم حاکم در مورد زندانیان و دگاه‌های دولت جمهوری اسلامی - کاملاً تحریف آمیز می‌باشد و هیچ‌وجه نشان - دهنده، واقعت‌های حاکم بر زندانیان و دگاه‌ها نیست بخصوص که خبرنگاران و گزارشگران عمدتاً به شبهه‌گزارش از وضع محرمین رژیم گذشته پرداخته اند که به لطف دگاه‌های انقلاب هر روز وسیله رفاه بیشتر و خوشحالی جدیدتری شامل حالشان می‌شود، لذا ما برای آگاه‌سازی خلق قهرمان ایران به افشا، کوشه‌هایی از اعمال رژیم که در مورد زندانیان سیاسی و مبارزین انقلابی صورت می‌گیرد، می‌پردازیم تا از این رهگذر رسیده‌های انقلابی خلفان را از روتنه‌هایی که اعمال رژیم حاکم بدان دست می‌نارند با اطلاع سازیم و از مسئولیت خطیری که در دفاع از اسیران فرزندان آزاده، خلق بهمه - نان محول می‌سازد هتدار دهیم .

علامه سید بهدیسگری یکی شهرام به همراه اعضا، و رهبران ارمان مجاهدین خلق در سال ۵۰ اناردر کرده و بدستی مبارزان را اوارا در زندان بر علیه مردودان رژیم شاه شاهن که با غتند او را به ۱۰ سال زندان محکوم و حن و سبب وی را به زندان ساری شمعدان در سمنار دوا و افرار انقلابی وی از زندان به همراه دورقی دیگر و سربای کداس فرا و همجنس برنا مهربری اعدام سربس رندی سور انشس کمیته مشترک با واک و ... و سرهنگهای آمریکائی که وی پس از آزادی از زندان بدان همت گماشت، سخن می‌گوید و با اشاره به وضع کنونی وی از شکنجه‌ها بخصوص شکنجه، روانی که در حق وی اعمال می‌شود، برده بر می‌دارد و سبب می‌گوید :

در این مدت حتی یکبار اجازه ملاقات با خانواده اسیر و اوده شده است، طبق اخبار و اطلاع محل استارت وی مدتها در ساء جالیهایی متروکه زندان اوین بوده است که بدلیل شرایط مرکبا روغری بهداشتی آنها و بدلیل اعتراضات مکرر و گروههای مختلف بین المللی و از جمله نمایندگان طبیب سرح در سالیهای او اخرج حکومت شاه جاستکا رنیز هیچ گونه استفاده ای از آنها نمی‌شده است . این ساء جالیه، سلولهای نفس‌کنه‌ای هستند که بطور خاص برای سلب شرایط ابتدائی حیات و وارد ساختن فشار هرچه بیشتر منظور تضعیف روحیه، زندانیان ساخته شده اند . کف این سلولها نور و خاکی است و فاقد هرگونه تهفمن بهداشتی لازم است . جد اقل نور بدرون این سلولها نمی‌تابد و از این رهگذر حیات زندانی تنیداً در معرض تهدید است ... البته وسعت تضییقات و رفتارهای ضد انسانی در مورد این انقلابی میهن بهمهین جا پایان نیافته، بلکه بدستور انحصار طلبان مرتجع و انقلابی نما در همین و شکنجه‌های تنگ و تاریک و سمنور هم برای مدتی او را بزنجیر میکشند و در تمام ساعات شبانه روز با یتر ا در زنجیر تکه می‌دارند .

## عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند!

این عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا یکی از سرمایه‌داران بزرگ اوازوبکی از شرکای اصلی پیمانکاران بزرگ صنعت نفت است که از طریق باندهای وارتشا، وابستین قراردادهای تحمیلی، میلیونها تومان پول خلقهای زحمتکش ایران را از طریق شرکت نفت بالا کشیده است . این فرد با این همه سابقه جنایتکارانه و ضد خلقی در دگاه، انقلاب اسلامی تنها بدو سال حبس تادیبی محکوم گردیده تا اینکه اخیراً مشمول عفو اعام واقع گردید و از زندان آزاد شد . ایشان بعد از آزادی برای زیارت ولایت توبه؟! به مشهد رفته است .

سیروس نقشینه این عامل سرسپرده و کثیف امپریالیسم آمریکا زمانی آزاد می‌شود که دست هیئت حاکمه ضد خلقی بخون جوانان انقلابی خلقهای کرد و عرب و ... آغشته شده و کردستان این باگانه مستحکم مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مورد هجوم پانداران ضد انقلاب و ارتش ضد خلقی قرار گرفته است . سیروس نقشینه زمانی از زندان آزاد می‌شود که هیئت حاکمه فریبکار بوق و کفر نای ضد امپریالیستی بر دانه خود را پیش از مبارزات ضد امپریالیستی خلق قلمداد نمیکند . باید رسید : " کدام را باور کنیم، دم خسرو را یا ..... با

کمیته، خوزستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و نشریه‌ای تحت عنوان ضمیمه محلی پیکار در سطح خوزستان منتشر می‌کند . در زیر قسمتی از مقاله، کوتاهی را که تحت عنوان " عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند " در ضمیمه، محلی پیکار شماره ۳۱ درج شده است میخوانید :

عوامل امپریالیسم از زندان آزاد می‌شوند دگاه، انقلاب اسلامی اهاز " سیروس نقشینه " مدیر کل سابق امور اداری شرکت سها می‌خام خدمات نفت ایران ( کترسیوم سابق )، یکی از سرسپردگان امپریالیسم آمریکا عضو سازمان فرا ما سوری، رئیس باشگاه لاینز اهاز، معاون اسنادار و عضو کمیسیون امنیت استان خوزستان را از زندان آزاد کرد . سیروس نقشینه که حاس ترین شغل اداری صنعت نفت را در جنوب در اختیار داشت، تعیین کننده خط مثنی بر سبلی صدکارگری صنعت نفت و مسئول اجرای پروژه‌های خیانت سار امپریالیستی در صنعت نفت بود . او به هنگام اعتصاب قهرمانانه کارگران و کارمندان صنعت نفت جنوب به حکومت نظامی پیشنهاد کرده بود که چند تن از اعتما بیسون را اعدام کنند تا بقیه، کارکنان صنعت نفت بسر کار باز گردند .

بخش ۱۶ از صفحه ۱۶

ارتجاع شیوه‌های ...

بگذارید فراموش نکنیم، آنوقت میدانیم چکار کنیم . ( این خط و نشان کشیدن برای دیگر رفقای دانشجویی که آتش در نقاط مختلف شهر دستگیر شدند، باز تکرار شده است! ) ارتجاع ما تمهید گرفتن از رفیق اوارا آزاد می‌کنند . در سیروس در کمیته رفیق دانشجو سوار ما شینی می‌شود که ظاهراً به نظر رسا فرایستاده بوده، این ما شینی رفیق را به نقطه خاصی که از قبل تعیین شده بود، می‌برد و به تنها نشانی که بیشتر از این

(۳) - پس از هفتاد هزار رسید ۱۰۰ هزار زخمی، همچنان باید برای حفظ مسائل امنیتی از دگر نام کمیته و جزئیات بیشتر صرف نظر کرد!! ننگان باد!

سیروس نمی‌خورد و را پیا ده می‌کند . در آنجا دوفتر مزدور که در پیا ده و منتظر ایستاده بودند از پشت به رفیق حمله می‌کنند : او را بشدت زخمی می‌نمایند . با رسیدن چند رهگذر، مزدوران رفیق را رها کرده و فرار می‌کنند . با دمان هت که رژیم آریا بهری هم‌شا به این شیوه‌ها را برای سرکوب نیروهای مترقی و انقلابیون بکار می‌برد (جانب کار و انراستکی با رسیدن مبارزین) اما با رژیم شاه با انهمه خونخواری و با وجود دستگاه عریض و طویل سا واک و دیگر نیروهای سرکوبگرش، توانست در برابر خشم مردم قهرمان ایران تاب بیاورد؟ این مردم، همان مردمند و امروز با آگاهی و شناختی بیشتر از نیروهای خود، بی‌شک به کمانیکه می‌کشند با فریب بار دیگر بند بردست و پایش بگذارند، جوانی درخور خواهد داد!

حمايت از این مبارزان سربزخیزند و ما هیئت عمیکردهای فاشیستی را که نسبت به وی اعمال می‌شود، افشا سازند و در ادامه میخوانیم : ما معتقدیم در این مراحل خاص ما مع مان دامن زدن یک سری مسائل درون خلقی که ناشی از ضعف‌ها و اشتباهات گذشته نیروهای انقلابی و عناصر آن‌ها که در صف انقلاب بوقوع پیوسته است بحر تفرقه و دامن زدن به تضادهای درون خلقی و مخدوش کردن صف نیروهای خلق و ضد خلق چیز دیگری را بدنبال ندارد که پس کار هم‌شیوه‌ای است در دت ضد انقلاب و فرست - طلبان و لاغیر .

" عده‌ای از زندانیان سیاسی "

۵۸/۹/۹

طبق گفتار شهید عینی هیچگونه روزنامه و کتابی در اختیار او قرار نمی‌داده اند . ما مورس زندان و مراقبین او را بدستور مسئولین امر در مواقع رفت و آمدهای چند لحظه‌ای اوبه دستوشی و توالیت که با سرعت و نظارت کامل انجام می‌گیرد حتی اکسرا وری روزنامه، کهنه‌ای در سیرش می‌شود . سوری آزاد دور می‌خاسته اند و با اوهج گونه صحبتی نمی‌کنند .

سیر در علامه‌ها رهمه نوده‌های انقلابی خلق و همه نیروهای انقلابی و مبارزین از انقلابیون مارکسیست - لنینیست و همجنسین سازمان مجاهدین خلق ایران، کارمندان زندانیان سیاسی، جامعه حقوقدانان و دیگر نیروهای دمکرات جامعه استمداد می‌شود که به



گرامی باد دوازدهمین سالگرد تأسیس  
جبهه خلق برای آزادی فلسطین

### پیام تبریک سازمان به رفیق ژرژ حبش دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

رفیق ژرژ حبش دبیر کل جبهه خلق

برای آزادی فلسطین!

رفقا! اعطای دفتر سیاسی جبهه!

۱۳ دسامبر دوازدهمین سالگرد تأسیس  
جبهه خلق برای آزادی فلسطین را به شما و به  
همه اعضا و یارگران جبهه و کلیه نیروهای  
انقلابی فلسطینی و عرب تبریک میگوئیم.

خلق های قهرمان ایران و فلسطین سالیان  
دراز است که همدوش یکدیگر در سنگر مبارزه  
ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی  
می جنگند و پیوند مبارزه جویانه بین خلق -  
های ما و شما طی این نبرد سرنوشت ساز هر دم  
استوارتر شده است.

خلفهای ما سرانجام رژیم سلطنتی وابسته  
به امپریالیسم شاه را سرنگون کردند و با این  
پیروزی خود گام مهمی در راه طولانی و دشوار  
پیروزی خلفهای منطقه علیه امپریالیسم بر-  
داشتند و امروز همچنان برای ختمی کردن  
توطئه ها و برای جهت لطف انقلاب و متوقف کردن  
آن از سوی امپریالیسم و ارتجاع داخلی  
بکار میروند مبارزه همه جانبه خود  
ادامه می دهند.

رفقا! همیمانان راستین خلق فلسطین  
که همانا نیروهای مترقی و رجمتکشان ایران  
هستند، ضمن تأیید نقش فعال و موثر نیروهای  
جبهه و انقلابی فلسطینی، ضمن تأیید مواضع  
سیاسی و انقلابی یکدیگر شما در ادامه نبرد  
رهاشی بخش خلق تا آزادی سراسر فلسطین،  
ضمن قدردانی از حمایتی که نسبت به انقلاب  
دمکراتیک و ضد امپریالیستی ایران اسراز  
داشته اید، اعلام می کنند که برای هرگونه  
حمایت عملی از انقلاب فلسطین و دیگر خلفهای  
عرب و جهان آماده اند.

فرصت را مغتنم نموده برای جبهه خلق  
برای آزادی فلسطین و دیگر سازمانهای انقلاب-  
بی فلسطینی پیروزی نهائی، آزادی فلسطین  
و نابودی امپریالیسم و ارتجاع در سراسر  
منطقه را آرزو می کنیم.

با تقدیم درودهای انقلابی

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۰ دسامبر ۷۹

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سازمان ما همواره با  
پشتیبانی و حمایت همه جانبه شما  
توانسته است اهداف انقلابی خود  
را پیش برد، کمکهای مالی خود  
را از هر طریقی که میتواند سه  
دست ما برساند

## ارتجاع شیوه های سرکوب "ساواک" را بازسازی میکند

اگر قانون اساسی مذکور، مترقی و انقلابی است  
و مردم از سرآگاهی و با چشم باز به آن رای دادند،  
بسی چرا علیه گروهها و سازمانها شبکه نیست به  
محتوای ارتجاعی آن افتاکری میکردند، آنهمه  
سمپاشی شد؟ و بهیچ گروه و سازمان انقلابی و حتی  
لیبرال امکان داده نشد تا با مردم سخن گویند!  
از آنجا که ارتجاع خودش خوب میدانست چه  
مجموعی را در دین خود مردم میدهد، کلیه امکا -  
ناتش را بهیچ کرد تا صدای انقلابیون بگوش  
کسی نرسد. در کمیته یک آخوند و چند لایس  
با سدار دور رفیق را گرفته و از او سئوالهای  
زیادی می کنند، صحبت آنها نزدیک به ۲ ساعت  
طول می کشد، در ضمن صحبت به رفیق گفتم می شود،  
بقیه در صفحه ۱۵

در شب رفقا اندام قانون اساسی دستخاست  
"خبرگان"، ارتجاع از یک طرف تمام امکانات  
تسلطی خود را بهیچ کرده بود تا با حمله و  
فریب مردم و با استفاده از آگاهی و توهم آنها  
آرا، بیشتر جمع آوری کند و از طرف دیگر  
گشتی های خود را در اتومبیلهای با چراغهای  
خاموش و در دسته های چهار نفره در سطح شهر روانه  
کرده تا به دستگیری انقلابیونی بپردازد و زندک  
برای آگاه کردن مردم از مصوای واقعی قانون  
اساسی اقدام به بحث اعلامیه میکردند. یکی  
از این اتومبیلهای گشتی، دانشجویی را که در  
جال بحث اعلامیه تحریم رفقا اندام "سوده دستگیر  
نموده و کمیته (۸) میرسد، (بی شک  
این سئوال بر ذهن بسیاری سنگینی میکند، که

بکمال ازا اعتماد بنفکران دلبر جنوب میگردد:

## کارگر: ستون فقرات انقلاب

در ادامه اعتمادات سیاسی و فراگیری که در سال گذشته توسط کارگران و دیگر رجمتکشان موقوف  
بسی و رژیم وابسته امپریالیسم شاه خاش را با همه قدر قدرتها و با همه حمایتی که از  
سوی امپریالیسم آمریکا میشد، سزانودر آورد، مرحله دوم اعتمادات بنفکران در آذرماه شکوه  
و ویژگی خاص دارد. طبقه کارگر و پیشانی آنها بنفکران جنوب کفه توازن نیروهای انقلاب و  
صد انقلاب را بهیچ انقلاب سنگین تر کرد.



## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر